



وزیر خارجه‌ی پاکستان:

از نشست استانبول حمایت می‌کنیم

اطلاعات روز: در آستانه‌ی برگزاری نشست استانبول در مورد صلح افغانستان، شاه‌محمود قریشی، وزیر خارجه‌ی پاکستان می‌گوید که کشورش از...

صفحه ۲

هشت عضو یک خانواده هنگام ادای نماز تراویح در ننگرهار کشته شدند

صفحه ۲

تاریخ‌نگاری و نگاه از بیرون

به مناسبت درگذشت نویسنده‌ی کتاب «ظهور افغانستان نوین»



صفحه ۵

جنگ و مهاجرت (۲)

شبکه‌های اجتماعی و استراتژی‌های اقتصادی هزاره‌های افغانستان

صفحه ۷

یادداشت روز

طرح‌های صلح از فردمحوری به آینده‌محوری متمرکز شود

تا کنون بیش از ۳۰ طرح صلح از طرف جناح‌های مختلف سیاسی برای ارائه در کنفرانس استانبول یا توحید در شورای عالی مصالحه‌ی ملی تهیه و تدوین شده‌اند. از این میان، به‌نظر می‌رسد حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار و حزب جمعیت اسلامی به رهبری صلاح‌الدین ربانی از ارائه‌ی طرح‌های صلح‌شان به شورای عالی مصالحه‌ی ملی سر باز زده و ترجیح داده‌اند که به‌صورت مستقلانه در کنفرانس صلح استانبول ارائه کنند.

هریک از جناح‌های سیاسی متناسب به مطالبات سیاسی و چشم‌اندازشان از چگونگی تحقق روند صلح و نوع نظم سیاسی و اجتماعی آینده، طرح‌های صلح خود را تدوین و تهیه کرده‌اند. در نمونه‌های برجسته، ارگ ریاست‌جمهوری، حلقه‌ی سیاسی حامد کرزی، گلبدین حکمتیار و ائتلاف سیاسی عمدتاً متشکل از نخبگان سیاسی اقوام تاجیک، اوزبیک و هزاره، در طرح‌های صلح‌شان چگونگی تحقق روند صلح شامل عقد توافق سیاسی، برپایی حکومت صلح و تعدیل قانون اساسی مبتنی بر تغییر یا...

۲

رییس‌جمهور غنی:

کسانی که در صف جمهوریت نمی‌ایستند، دیگر برای شان در دولت جای نیست



۲

هشدار اسماعیل خان به نیروهای دولتی:

به خانه‌ی «مجاهدین» به خاطر خلع سلاح وارد نشوید

اطلاعات روز: محمد اسماعیل خان، یکی از فرماندهان پیشین جهادی در ولایت هرات، به نیروهای دولتی هشدار داده است که به‌خاطر خلع سلاح...

۲

یک راکت «بی‌ام‌۱» در محوطه‌ی دانشگاه کابل اصابت کرد



۲

جمهوری چک ۱۸ دیپلمات روس را اخراج کرد



۶

آسیب‌شناسی صلح

در این فضا یک تعامل سیاسی ایجاد شده بود که داشت به بعضی زیربناهای ازهم‌پاشیده‌ی اجتماعی جان می‌داد. یک‌بار عینک خوش‌بینی‌ها و بدبینی‌ها را کنار بگذاریم و از روی تقابلی که صورت می‌گیرد، واقع‌بینانه بحث کنیم. صلح یک واژه‌ی سیاسی و یا شعار انتخاباتی نیست، صلح حتی به همین تعبیر ساده‌اش دست‌کشیدن از...

تحلیل ۴

توپ در میدان طالبان با خروج نیروهای خارجی روند صلح به کدام سو می‌رود؟



با اعلام خروج نیروهای خارجی از افغانستان تا پنج ماه دیگر، در افغانستان از یک‌سو امیدواری برای رسیدن به صلح و از طرف دیگر در صورت شکست تلاش‌ها برای یک توافق سیاسی از افتادن در یک فروپاشی سیاسی...

تجزیه ۴

ترک افغانستان و درس‌های طولانی‌ترین جنگ امریکا

اوایل سال ۲۰۱۰ میخائیل گورباچف، هشتمین و آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی به رییس‌جمهور باراک اوباما در مورد جنگ افغانستان مشوره داد. پس از آن که شوروی‌ها در سال ۱۹۷۹ به افغانستان حمله کردند و پس از مدتی خودشان را گرفتار جنگی غیرقابل‌پیروزی در برابر شورش مجاهدین اسلام‌گرای موردحمایت ایالات متحده و دیگران یافتند، گورباچف بر اعضای جنگ‌طلب پولیتبورو کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی مسلط شد و دستور عقب‌نشینی نظامی از افغانستان را صادر کرد. خروج شوروی‌ها در سال ۱۹۸۹ به پایان رسید. گورباچف به اوباما هشدار داد که امریکا خودش را در افغانستان در معرض خطر «ناکامی استراتژیک کلان» مشابه شوروی قرار داده است؛ او «راه‌حل سیاسی و خروج نیروها» را توصیه کرد. گورباچف توصیه کرد که این رویکرد...

۳

بسته‌های ویژه اینترنتی برای
بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



AFGHANET

ادامه‌ی یادداشت‌روز

اصلاح نظام را به روش‌های مختلف پیشنهاد کرده‌اند. ارگ ریاست‌جمهوری بر حفظ نظام و انتقال قدرت از حکومت فعلی به حکومت صلح از طریق یک روند دموکراتیک تأکید کرده است. دیدگاه حلقه‌ی سیاسی حامد کرزی برخلاف ارگ ریاست‌جمهوری، انتقال قدرت به حکومت صلح از طریق یک توافق میان نخبگان سیاسی است. با این وصف وجه اشتراک هر دو طرح، حفظ نظام ریاستی است.

ائتلاف سیاسی عمدتاً غیرپشتون و متشکل از جناح‌های سیاسی مطرح تاجیکان، هزاره‌ها و اوزبیک‌ها بر تغییر نظام از ریاستی به پارلمانی و توزیع قدرت و صلاحیت از مرکز به محلات تأکید دارد. براساس این طرح، نظم سیاسی کشور باید غیرمتمرکز شده و در ضمن توزیع قدرت از مرکز به محلات، برای کاهش تنش‌های سیاسی ناشی از منازعه‌ی قومی قدرت، نظام ریاستی کنونی به پارلمانی تغییر کند. در کنفرانس بن و پس از آن، برگزاری لوی‌جرگه‌ی تدوین قانون اساسی جدید، بحث سیاسی مشابهی بر سر چگونگی نظم سیاسی کشور جریان داشت. جناح‌های سیاسی عمدتاً به دو گروه موافقان نظم ریاستی و طرفداران نظم پارلمانی تقسیم شده بود. اگرچه در نهایت نظام ریاستی اقبال تصویب و موفقیت یافت اما این تصمیم‌گیری از گفت‌وگوهای عمیق و آینده‌محور ناشی نشد. چند تن از سیاستمداران برجسته، بانفوذ و قدرتمند متعلق به اقوام غیرپشتون با چشم‌داشتی که به سهم فردی و در نهایت گروهی به یک قدرت داشتند، با استفاده از نفوذ و قدرت سیاسی و نظامی‌شان، نظام سیاسی ریاستی را بر افغانستان تحمیل کردند.

در هنگامه‌ی حساسی که افغانستان در آن قرار دارد، جناح‌های سیاسی باید از تکرار خطای سهمگین دو دهه‌ی قبل و ارائه‌ی طرح‌های صلح و تعیین نظام سیاسی آینده‌ی کشور مبتنی بر منافع فردی و سهم و جایگاه فردی و گروهی در ساختار قدرت امتناع کنند. هر طرحی که ارائه شده و مورد چانه‌زنی یا حمایت قرار می‌گیرد، باید مبتنی بر واقعیت‌ها و رفع مشکلات سیاسی-اجتماعی کشور، آینده‌نگری، جلوگیری از بروز بحران و بحران‌های سیاسی دیگر و کاهش بسترهای منازعه‌ی قومی و گروهی بر سر تقسیم قدرت باشد. چشم‌داشت به صرفاً منافع فردی، گروهی و یا قومی در طرح‌های صلح ارائه‌شده و تصمیم‌گیری در مورد نوعیت نظم سیاسی آینده، افغانستان را در مسیری قرار می‌دهد که لاجرم چند دهه‌ی دیگر مجدداً بحث تعویض و تغییر نظام زیر فشار مطالبات سیاسی طرف‌های ناراضی و معترض روی میز قرار گیرد. افغانستان نباید به لاپرواها آزمایش طرح‌های سیاسی ناپخته و میدان ارضاشدن حرص و طمع سیاسی جناح‌های فردمحور، گروه‌محور و قوم‌گرا تبدیل شود.

طرح‌های صلح باید مبتنی بر ساختن یک آینده‌ی باثبات، کم‌تنش، امن و مطمئن تهیه و تدوین شود. فارغ از آن، هر طرحی که واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی افغانستان را نادیده گرفته و در راستای ارضای حرص قدرت‌طلبی افراد، گروه‌ها و حداکثر یک قوم تهیه شود، حتماً با استفاده از اهرم‌های قدرت، نفوذ و فشار، اقبال تصویب یابد، نمی‌تواند تا ابد بر کشور تحمیل شود. هیچ جناحی نمی‌تواند اعتراض‌های ناشی از مطالبات سیاسی، توزیع عادلانه‌ی قدرت، تبعیض سیاسی و اجتماعی را از ریشه سرکوب و نابود کند. راه عبور به یک آینده‌ی مطمئن و باثبات که زیست مسالمت‌آمیز را تضمین می‌کند، توجه جدی و واقعی به واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی متنوع افغانستان و به رسمیت شناختن مطالبات مشروع ناشی از تنوع قومی و فرهنگی کشور است.

هشت عضو یک خانواده هنگام ادای نماز تراویح در ننگرهار کشته شدند

به‌گفته‌ی او، معلومات ابتدایی نشان می‌دهد که رویداد در خانه‌ی شخصی به نام حاجی عبدالوهاب رخ داده است که در نتیجه پنج پسر و سه برادرزاده‌ی او کشته شده‌اند. والی ننگرهار در ادامه گفت که این رویداد به دلیل دشمنی‌های شخصی بر سر زمین اتفاق افتاده است. امرخیل تأکید کرد که تلاش‌ها برای بازداشت عاملان این قتل گروهی آغاز شده است. ولایت نامن ننگرهار در شرق افغانستان موقعیت دارد.

اطلاعات روز: مقام‌های محلی در ولایت ننگرهار می‌گویند که هشت عضو یک خانواده در مربوطات شهر جلال‌آباد با شلیک گلوله کشته و دو نفر دیگر زخمی شده‌اند. ضیالحق امرخیل، والی ننگرهار به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد حوالی ساعت ۹:۰۰ دور روز پیش (شنبه، ۲۸ حمل) در مربوطات ناحیه‌ی نهم شهر جلال‌آباد رخ داده است. آقای امرخیل همچنان گفت که اعضای این خانواده هنگامی که مشغول ادای نماز تراویح بودند، هدف تیراندازی قرار گرفته‌اند.

رییس‌جمهور غنی:

کسانی که در صف جمهوریت نمی‌ایستند، دیگر برای‌شان در دولت جای نیست

او تأکید کرده است: «انتخاب دوستی و دشمنی به دست آنها [پاکستان] است و در صورت دوستی، افغانستان آماده است که با افزایش همکاری‌های منطقوی و جهانی همراهی پاکستان همکاری کند»

پاکستان بارها از سوی مقام‌های دولت افغانستان به میزبانی از رهبران طالبان و تجهیز جنگ‌جویان این گروه در افغانستان متهم شده است؛ اتهامی که همواره از سوی آن کشور رد شده است.

ملی افغانستان به‌گونه‌ی کامل عملی و بی‌طرفی این کشور نیز ثابت شود. طبق خبرنامه‌ی ارگ ریاست‌جمهوری، رییس‌جمهور غنی گفته است که امروز تصمیم به دست پاکستان است که دوستی با افغانستان را می‌خواهد و یا دشمنی.

به‌گفته‌ی غنی، اگر افغانستان ناآرام باشد پاکستان نیز ناآرام خواهد بود و اگر افغانستان در آسایش قرار داشته باشد پاکستان نیز آسایش خواهد داشت.

نیست.» غنی همچنان جنگ طالبان را فاقد مشروعیت دینی خوانده و گفته است که علمای دین کشورهای جهان اسلام یکی پس از دیگری جنگ افغانستان را ناروا خوانده‌اند.

او به تصمیم ایالات متحده‌ی امریکا و سازمان ناتو برای خروج از افغانستان نیز اشاره کرده و گفته است که برای حفاظت از خاک افغانستان آمادگی کامل دارند و وقت آن رسیده است تا حاکمیت

اطلاعات روز: رییس‌جمهور اشرف غنی در مراسم تفویض مدال به ۱۶ نفر از منسوبین پولیس و امنیت ملی، گفته است کسانی که در صف جمهوریت نمی‌ایستند، دیگر برای‌شان در دولت جای نیست. به نقل از خبرنامه‌ی ارگ ریاست‌جمهوری، آقای غنی دیروز (یک‌شنبه، ۲۹ حمل) در این مراسم گفته است: «یک صف جمهوریت است و صف دیگر دشمن، آنانی که در صف جمهوریت ایستاده نمی‌شوند، دیگر برای‌شان در دولت جای

جراحان در کابل دوگانگی به‌هم‌چسبیده را موفقانه از هم جدا کردند

به‌گفته‌ی او، وضعیت صحتی این دوقلو خوب است و اکنون آنان می‌توانند شیر بخورند و با گذشت چهار روز از جراحی، هنوز مشکلی برای آنان پیش نیامده است. گلبدین، پدر این نوزادان که باشنده‌ی اصلی بغلان و باشنده‌ی فعلی هرات است، نیز به روزنامه اطلاعات روز گفت زمانی که متوجه این مشکل شده، باور نمی‌کرده که در افغانستان فرزندانش جراحی شوند.

این دومین عملیات جراحی است که به‌منظور جداسازی نوزادان به‌هم‌چسبیده در انستیتوت طبیبی فرانسه در کابل انجام می‌شود. چند سال پیش در این انستیتوت طبیبی، دو نوزاد که از ناحیه‌ی روده به هم چسبیده بودند، توسط داکتران این نهاد عملیات و از هم جدا شدند.

اطلاعات روز: جراحان در «انستیتوت طبیبی فرانسه» در شهر کابل موفق شده‌اند که دوگانگی به‌هم‌چسبیده را طی یک عمل جراحی شش ساعته از هم جدا کنند.

این نوزادان دوقلو دختر اند و از ناحیه‌ی سینه و جگر به هم چسبیده بودند. آنان ۱۲ روز پیش در ولایت هرات متولد شده و چهار روز پیش در انستیتوت طبیبی فرانسه مورد عملیات جراحی قرار گرفته‌اند.

محمدمطارق رحیمی، پزشک متخصص و جراح این عملیات در صحبت با روزنامه اطلاعات روز گفت که او و پزشکان شامل این عملیات جراحی موفق شده‌اند که عملیات جداسازی این نوزادان را موفقانه انجام دهند.

وزیر خارجه‌ی پاکستان:

از نشست استانبول حمایت می‌کنیم



– ترکیه – پاکستان و همچنان نشست صلح استانبول اعلام کرده است.

از سویی هم، وزارت امور خارجه گفته است که شاه‌محمود قریشی در این صحبت تلفنی از آقای اتمر دعوت کرده تا پس از نشت صلح استانبول به پاکستان سفر کند. این وزارت تأکید کرده که اتمر دعوت قریشی را پذیرفته است.

این درحالی است که براساس اعلام وزارت خارجه‌ی ترکیه، نشست استانبول قرار است در ۲۴ ماه جاری میلادی (اپریل) برگزار شود.

گروه طالبان اما اعلام کرده است که تا زمان خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان، در هیچ نشستی که در آن در مورد افغانستان تصمیم گرفته شود، شرکت نمی‌کند.

طبق توافق‌نامه‌ی دوحه که میان امریکا و طالبان امضا شده، اول ماه می به‌عنوان آخرین مهلت خروج نیروهای خارجی از افغانستان تعیین شده است، اما امریکا و ناتو اعلام کرده‌اند که روند خروج با حدود پنج ماه تأخیر، تا ۱۱ سپتامبر کامل می‌شود.

بخش‌های مختلف امنیتی، سیاسی و توسعه‌ی در تماس تلفنی با قریشی بحث کرده است.

آقای قریشی نیز از تداوم حمایت‌های همه‌جانبه‌ی کشورش برای یک افغانستان صلح‌آمیز، مستقل و متحد به وزیر امور خارجه اطمینان داده است. او همچنان خواستار کاهش خشونت‌ها و ادامه‌ی گفت‌وگوهای صلح جهت دستیابی به راه‌حل سیاسی شده است.

وزیر خارجه‌ی پاکستان در این تماس تلفنی همچنان آمادگی کشورش را برای اشتراک در نشست سه‌جانبه‌ی افغانستان

شاه‌محمد قریشی در این تماس تلفنی در مورد روند صلح و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای در دوره‌ی پس‌ازخروج نیروهای خارجی از افغانستان، گفت‌وگو کرده‌اند.

به نقل از خبرنامه، آقای اتمر ضمن قدردانی از حضور «سازنده»‌ی پاکستان در نشست استانبول، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای را در کنار حمایت‌ها و همکاری‌های جامعه‌ی جهانی با افغانستان، در موفقیت روند صلح مهم و با اهمیت خوانده است.

او همچنان روی آخرین تحولات از جمله چارچوب همکاری‌های پس‌ازخروج با ایالات متحده‌ی امریکا و جامعه‌ی جهانی در

اطلاعات روز: در آستانه‌ی برگزاری نشست استانبول در مورد صلح افغانستان، شاه‌محمود قریشی، وزیر خارجه‌ی پاکستان می‌گوید که کشورش از این نشست حمایت می‌کند.

آقای قریشی دیروز (یک‌شنبه، ۲۹ حمل) در توییتی گفته است که این موضوع را در صحبت تلفنی با محمدحنیف اتمر، وزیر خارجه‌ی کشور مطرح کرده است. دو طرف در این تماس تلفنی در مورد شمولیت در روند صلح افغانستان و روابط دو جانبه میان دو کشور گفت‌وگو کرده‌اند. وزیر خارجه‌ی پاکستان افزوده است که کشورش از پیشرفت در روند صلح افغانستان و نشست استانبول در مورد این روند حمایت می‌کند.

او گفته که در این نشست قرار است با محمد حنیف اتمر دیدار و سپس از او در اسلام‌آباد میزبانی کند. به‌گفته‌ی شاه‌محمود قریشی، محور صحبت‌های دو طرف در این دیدارها گفت‌وگو روی راه‌های پس از کنفرانس استانبول می‌باشد.

وزارت خارجه‌ی کشور هم در خبرنامه‌ی گفته است که محمدحنیف اتمر و

یک راکت «بی‌ام» در محوطه‌ی دانشگاه کابل اصابت کرد

به‌گفته‌ی او، هنوز مشخص نشده که این راکت از کدام ساحه شلیک شده است. منبع امنیتی اما تأکید کرد که به احتمال زیاد راکت فیرشده «اشتباهی» شلیک شده است.

دانشگاه کابل در تاریخ ۱۸ عقرب مورد یک حمله قرار گرفت. دست‌کم ۲۲ نفر در این حمله کشته و حدود ۴۰ نفر دیگر زخمی شدند. گروه داعش مسئولیت این حمله را گرفت، اما دولت افغانستان طالبان را مسئول آن دانسته است.

چندین نفر در پیوند به این حمله بازداشت و دو تن از طراحان و عاملان این حمله توسط دادگاه‌های ابتدایی و استیناف به اعدام محکوم شده‌اند.

اطلاعات روز: منابع امنیتی تأیید می‌کنند که یک فیر راکت نوع «بی‌ام ۱» در محوطه‌ی دانشگاه کابل، در مربوطات ناحیه‌ی سوم شهر کابل اصابت کرده است.

یک منبع امنیتی که نخواست نامش در خبر ذکر شود، به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد حوالی ساعت ۱۰:۰۰ پس از چاشت دیروز (یک‌شنبه، ۲۹ حمل) رخ داده است.

منبع افزود که این راکت در عقب دانشکده‌ی شرعیات دانشگاه کابل اصابت کرده و تلفات و خساراتی در پی نداشته است.

استیو کول، نیویورکر
مترجم: جلیل پژواک

ترک افغانستان و درس‌های طولانی‌ترین جنگ امریکا



است. روز پنجشنبه، بلینکن برای نشان دادن «تعهد مداوم ایالات متحده به جمهوری اسلامی و مردم افغانستان» به کابل پرواز کرد.

هنگامی که گورباچف رهبری خروج شوروی را از افغانستان برعهده داشت، سازمان سیا و بسیاری دیگر از تحلیل‌گران با اطمینان پیش‌بینی کردند که مجاهدین شورشی که توسط ایالات متحده، پاکستان و عربستان سعودی علیه شوروی مسلح شده و تمویل می‌شدند و صفوفشان شامل رهبران آینده طالبان نیز بود، به سرعت قدرت را در افغانستان بدست می‌گیرند. اما در واقع حکومت سکولارگرایی وقت کابل که هنوز هم از نظر مالی مورد حمایت مسکو بود و از مشوره مشاوران نظامی باقی‌مانده شوروی در افغانستان برخوردار بود، برای چند سال در حالی که گورباچف، همان‌طور که در سال ۲۰۱۰ گفت، به دنبال «همکاری صادقانه و مسئولانه همه‌ی طرف‌ها» برای رسیدن به یک توافق سیاسی بود که بتواند از فاجعه انسانی جلوگیری کند و منطقه را به ثبات برساند، دوام آورد. گورباچف همکاری‌ای را که می‌خواست نیافت. پاکستان و ایالات متحده به دنبال پیروزی کامل بودند و بلافاصله پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، رژیم کابل نیز فروپاشید.

با این حال اگر قرار باشد از تجربه شوروی در افغانستان درس بگیریم، آن درس باید این باشد که پیش‌بینی‌های بیرونی درباره افغانستان معمولاً اشتباه از آب در می‌آید. گورباچف یازده سال پیش نوشت: «فرصت وجود دارد، اما برای استفاده از آن چیزهای زیادی لازم است: واقع‌گرایی، ایستادگی و آخر از همه صداقت در یادگیری از اشتباهات گذشته و توانایی عمل براساس آن دانش.» از صداقت دیربست خبری نیست، اما فرصت همچنان باقی‌ست.

استیو کول، همکار نیویورکر، رییس دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه کلمبیا و نویسنده کتاب «ریاست اس؛ سازمان سیا و جنگ‌های مخفیانه امریکا در افغانستان و پاکستان» است.

پیشرفت جنگ، پذیرفتن شکست نظامی توسط رییس‌جمهور به عنوان شکست، خود ارزشمند است.

اما چرخه‌ای را که کاخ سفید بایدن برای گرفتن بهترین نتیجه از یک تصمیم خوارکننده به چرخش درآورده است، دل‌سردکننده است. رییس‌جمهور به دلایل وضاح پایان جنگ را با سالگرد ۲۰ سالگی یازدهم سپتامبر تنظیم کرده است، اما به نظر همچون بازاریابی سیاسی در لحظه‌ای به نظر می‌رسد که باید لحظه تأمل درباره هزینه فاجعه‌بار غرور مفرط باشد (این ۲۰ سال جنگ نه تنها جان بیش از ۲۲۰۰ سرباز امریکایی را گرفته است، بلکه هزاران افغان نیز در آن کشته شده‌اند). کسانی که بالاترین هزینه را به خاطر بلندپروازی‌های ناکام ایالات متحده در کشورشان پرداخته‌اند، مسلماً افغان‌ها هستند و اکنون با خطر بازگشت دوره تاریک طالبان، یا یک جنگ داخلی خون‌بار دیگر در کشورشان روبرو هستند؛ جنگ داخلی آن‌هم بعد از بیش از چهل سال درگیری مستمر که با تهاجمات و اقدامات پنهانی ملت‌های بیرونی آغاز و طولانی شد.

حکومت بایدن اصرار دارد که به رهبری تلاش‌های بین‌المللی برای ارائه کمک دیپلماتیک، بشردوستانه و سیاسی به حکومت مبتنی بر قانون اساسی در کابل و به نسل از افغان‌های شهری و به ویژه زنان که تحت چتر حمایتی و امنیتی ناتو رشد کردند، ادامه خواهد داد. با این حال این عادت مکرر دولت‌های امریکا بوده است که در میانه شکست‌های چندبرابر سیاست‌هاشان، تقصیر را به گردان متحدان افغان خود بیندازند، گویی فساد مزمن افغانستان ربطی به تزریق میلیون‌ها دلار امریکایی به اقتصاد درهم شکسته این کشور ندارد، یا انگار هروئین افغانستان از اعتیاد مصرف‌کنندگان غربی جداسد. نامه وزیر امور خارجه آنتونی بلینکن به رییس‌جمهور غنی که اخیراً به رسانه‌ها درز کرده بود و به دلیل بی‌میلی غنی به پذیرفتن اولویت‌های امریکا در مذاکرات صلح افغانستان، مملو از سرخوردگی و تهدیدهای پوشیده بود، آخرین نمونه در این بایگانی نومیدکننده

گروه از دیپلماسی بین‌المللی، بوده است. طالبان از نخستین گفت‌وگوهای خود با فرستادگان اوباما تا مذاکرات شدید این گروه با خلیل‌زاد، پیوسته دو خواسته را دنبال کرده‌اند: خروج نیروهای خارجی از افغانستان و آزادی زندانیان طالبان. این گروه اکنون به این اهداف دست یافته است (حکومت افغانستان پنج هزار زندانی طالبان را از زندان‌های خود در سال گذشته آزاد کرد) در حالی که امتیازات اندکی به جانب مقابل خود واگذار کرده است.

ترمپ بدون در نظر گرفتن این که آیا طالبان در خصوص کاهش حملات‌شان علیه نیروهای افغان یا حمایت از مذاکرات، امتیازاتی داده‌اند یا خیر، با تهدید مداوم به خارج کردن تمام نیروهای امریکایی از افغانستان، به طالبان کمک کرد. و از آنجا که تهدیدهای ایالات متحده مبنی بر تنبیه شورشیان در میدان نبرد روز به روز توخالی از آب درآمد، بزرگ‌ترین مشوق طالبان برای سازش، کسب اعتبار به عنوان یک طرف مسئول بر روی صحنه جهانی بود؛ اما از نظر رهبران طالبان، این گروه یا آن امتیاز را تا آن زمان به دست آورده بود یا دیگر نیازی به آن نداشت.

پنتاگون و بسیاری از جمهوری‌خواهان کنگره استدلال می‌کنند که بایدن باید خروج کامل سربازان امریکایی را تا زمان به دست آمدن توافق سیاسی بین طالبان و حکومت افغانستان، یا موافقت طالبان با آتش بس یا دست‌کم کاهش عمده در خشونت‌های این گروه علیه نیروهای افغان و غیرنظامیان، به آینده موکول کند. اما استدلال در برابر این نتیجه‌گیری بایدن که به قول خودش «ادامه چرخه گسترش حضور نظامی ما در افغانستان به امید ایجاد شرایط ایده‌آل برای خروج و توقع نتیجه متفاوت» دیوانگی است، دشوار است. پس از دو دهه خوش‌بینی رسمی و عدم صداقت آشکار در مورد تحولات و

به طولانی‌ترین جنگ تاریخ امریکا پایان می‌دهد و همه‌ی نیروهای امریکایی و ناتو تا تاریخ ۱۱ سپتامبر سال جاری از افغانستان خارج می‌شوند.

بایدن گفت: «ما به خاطر حملات وحشتناکی که بیست سال پیش اتفاق افتاد به افغانستان رفتیم. این نمی‌تواند دلیل ماندن ما در سال ۲۰۲۱ در آن کشور باشد.» بایدن با اشاره به این که او چهارمین رییس‌جمهوری ایالات متحده است که بر مشارکت امریکا در این جنگ نظارت می‌کند، افزود: «من این مسئولیت را به عهده نفر پنجم نخواهم گذاشت.»

اکنون نباید جای تعجب داشته باشد که ایالات متحده شکست خود را در طولانی‌ترین جنگ خود آشکارا پذیرفته است. دست‌کم از یک دهه بدین‌سو واضح بوده که این جنگ از راه نظامی غیرقابل پیروزی است. بن‌بست جنگی بین سربازان بیرونی و شورشیان محلی — مانند وضعیتی که امریکا از حدود سال ۲۰۰۶ تاکنون به خاطر طالبان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند و وضعیتی که شوروی‌ها را سی سال پیش مجبور به عقب‌نشینی کرد — زمانی که شورشیان لانه امن

خارجی داشته باشند و در آن بتوانند سربازگیری کنند، آموزش ببینند، مجروحان خود را معالجه کنند و دوباره به میدان جنگ برگردند، مانند لانه‌های امن طالبان در پاکستان، اغلب نشان‌گر باخت هستند. ارتش پاکستان و «آی‌اس‌آی» توانسته‌اند عین استراتژی‌ای را که در دهه ۱۹۸۰ آی‌اس‌آی و سازمان «سیا» علیه نیروهای شوروی در افغانستان اجرا کردند، پس از سال ۲۰۰۱ علیه نیروهای ناتو در افغانستان موفقانه اجرا کنند و عین نتیجه را بگیرند.

عین استراتژی‌ای را که در دهه ۱۹۸۰ آی‌اس‌آی و سازمان «سیا» علیه نیروهای شوروی در افغانستان اجرا کردند، پس از سال ۲۰۰۱ علیه نیروهای ناتو در افغانستان موفقانه اجرا کنند و عین نتیجه را بگیرند. شگفت‌آورتر از آن، موفقیت گروه طالبان و دست‌بالا تر این گروه در مذاکرات با ایالات متحده با توجه به چشم‌انداز تاریک‌اندیشانه طالبان و تجربه نوپای این

ارتش پاکستان و «آی‌اس‌آی» توانسته‌اند عین استراتژی‌ای را که در دهه ۱۹۸۰ آی‌اس‌آی و سازمان «سیا» علیه نیروهای شوروی در افغانستان اجرا کردند، پس از سال ۲۰۰۱ علیه نیروهای ناتو در افغانستان موفقانه اجرا کنند و عین نتیجه را بگیرند.

هشدار اسماعیل خان به نیروهای دولتی:

به خانه‌ی «مجاهدین» به خاطر خلع سلاح وارد نشوید

داخل شدید، با واکنش مواجه می‌شوید.»

محمد اسماعیل خان از گروه طالبان می‌خواهد که دست از جنگ بردارند؛ زیرا به گفته‌ی او، طالبان به هیچ عنوان از گزینه‌ی نظامی به پیروزی دست پیدا نمی‌کنند: «ما به طالبان می‌گوییم که اگر به قدرت رسیدن از طریق زور ممکن بود، با قدرت شرق در افغانستان شکست نمی‌خورد. طالبان به جز ویرانی افغانستان، بدنامی و اجیر بودن خارجی هیچ چیز نمی‌خواهند. طالبان به پروسه‌ی صلح بیبوندند.» این فرمانده پیشین جهادی هشدار می‌دهد صلحی

اطلاعات روز: محمد اسماعیل خان، یکی از فرماندهان پیشین جهادی در ولایت هرات، به نیروهای دولتی هشدار داده است که به خاطر خلع سلاح به خانه‌های «مجاهدین» مراجعه نکنند تا با واکنش مواجه نشوند. او که دیروز (یکشنبه، ۲۹ حمل) در جمع ده‌ها فرد مسلح غیرمسئول در خانه‌اش صحبت می‌کرد، گفت که نباید دوباره مجاهدین خلع سلاح شوند: «به نیروهای امنیتی این شهر می‌گویم که این‌ها [مجاهدین]، مدافعان آزادی شهر هستند و دیگر به خانه‌ی هیچ یک از مجاهدین داخل نشوید و اگر

خبر داخلی

اسماعیل خان ابراز نگرانی کرد که خروج نیروهای خارجی افغانستان را وارد یک جنگ بزرگ‌تر کند. او بار دیگر از حکومت موقت و انتقالی اعلام حمایت کرد و افزود که انتخابات باید پس از حکومت موقت و انتقالی برگزار شود.

این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که دور روز پیش نیز صدها تن از هراتیان به مناسبت ۲۹ حمل، سالروز ورود «مجاهدین» به شهر هرات دست به شلیک‌های هوایی زدند که در نتیجه شش نفر از جمله یک دختر هشت ساله زخمی شدند.

آسیب‌شناسی صلح



نجیب بارور

صلح یک واژه‌ی سیاسی و یا شعار انتخاباتی نیست، صلح حتا به همین تعبیر ساده‌اش دست‌کشیدن از جنگ هم نیست، بلکه صلح به تفاهم‌رسیدن است.

قبل از آن‌که به جزئیات چارچوب صلح بپردازم، بایست آسیب‌های ناشی از وضعیت موجود و صلح را بسنجیم. باید از خود پرسیم که ما در صلح به صلح می‌رسیم یا همین جنگ را انتخاب می‌کنیم؟ مبحث صلح در حقیقت یک آبروی دیپلماتیک-سیاسی است برای امریکایی‌ها که در تلاش فرار از منطقه است. صلح برای طالب یک امتیاز است. یک گروه سیاه‌کار که تاریخ جنایت‌های‌شان را فراموش نمی‌کند،

با بازیگر اصلی جهان روی میز نشسته و امتیاز می‌گیرد. طالب امروز برای امریکایی‌ها ادامه‌دهنده‌ی یک مأموریت استراتژیک است. فرار اقتصادی-سیاسی امریکا از افغانستان نیازمند یک طرح است که در آن طرح طالب تعیین‌کننده است.

اما برای ما چه می‌رسد؟ کی می‌تواند بیرون از حب و بغض سیاسی متناسب با یک منطق کلان بگوید که امتیاز ما با داشتن یک حکومت، رسانه‌ها، آزادی‌های مدنی و گفت‌وگوگران سیاست دموکراتیک و در کل امتیاز یک ملت دارای قانون اساسی در صلح چیست؟

۱. صلح یکی از مباحث انتخاباتی بود. صلح برای سیاست‌گذاری امریکا آن‌قدر مهم بود

که به‌خاطرش حتا قرار بود انتخاباتی در افغانستان برگزار نشود. در یک وضعیت بحرانی سیاسی که یکی از آن‌سوی دیوار و دیگری از این‌سوی دیوار بانگ تحلیف و تقابل سر داده‌اند، نهادی زیر عنوان شورای عالی مصالحه‌ی ملی به رقیب انتخاباتی و تنها پوزیشن سیاسی واگذار می‌شود. نخست تقابل روایت‌های سیاسی در بین این نهاد و ارگ ریاست‌جمهوری فضای هرنوع تعامل واحد و متناسب با منافع ملی را بسته است. دو مخالف سرسخت سیاسی که سابقه اختلاف و کشاکش‌شان به دو دوره انتخاباتی رسیده است. نخست این‌که در یک‌چنین فضایی باور نمی‌کنم که روایت مشترکی بیرون شود که در آن ما بتوانیم همین کلیت اجتماعی امروز خود را ببینیم. حکومت هنوز هم با شورای مصالحه‌ی ملی در جنگ است، ما چگونه انتظار یک روایت معقول برای صلح را داشته باشیم؟

۲. فضای به میان‌آمده، پراکنده‌گی‌های عجیبی به‌وجود آورده است. این‌روزها بعضی از جنرالان نظامی را می‌بینم که از آمادگی برای جنگ سخن می‌گویند و طالب را جدی گرفته‌اند. تاجران منتظر روشن‌شدن مسأله صلح هستند و اکثر سرمایه‌های‌شان را بیرون بردند، اهل سیاسی هرکسی را هر سودایی است. یکی با رفتارهای معنادار خود در سوی حمایت است، یکی در رفتار معنادار در جهت مخالفت. فضا غبارآلود است. یک‌تعداد به تازگی اهمیت جمهوری‌ت را دانسته‌اند و این واژه را بیش‌تر از بیست‌سال گذشته تکرار می‌کنند. جمهوری‌تی که دیگر مردم به آن باور ندارد. یک‌طرف مبحث رقیب سیاسی جمهوری‌ت است که برخاسته از پایگاه اکثریت اجتماعی است که بازی‌کردن او در شطرنج سیاسی با وزنه‌تر از جمهوری‌ت است. امروز اگر ارگ به پای سپیدار هم خم شود، نمی‌تواند به مراد سیاسی خود دست

یابد. بی‌باوری به حکومت، به مصالحه‌ی ملی و به هر گفتمان دیگر در جامعه امروزی به‌وجود آمده است. این حکومت چقدر پول داشته باشد که برای حمایت از جمهوری‌ت دست به دامن کسانی شود که دیروز برایش جنگ‌سالار بود ولی امروز عزیز است. این واقعیت درونی جامعه است. کف‌سواران

سیاسی نمی‌دانستند که با موج مواجه‌شدن صخره می‌خواهد. کسانی که با هواپیما و محافظ امریکایی به افغانستان آمدند و با هزاران محافظ از پول بیت‌المال نگاهداری شدند، حالا می‌دانند که سپر طالب چیزی به نام جغرافیا و مردم و روایت است. امروز همین روایت و جغرافیا در محور جمعیت اسلامی و احمدمسعود و شورای مصالحه در حال شکل‌گیری است که از جمهوری‌ت حمایت نکرد. در همین آشفته‌بازار سیاسی که دیگر کسی به «گرگ آمد واقعی چوپان» هم تمکین نمی‌کند، آینده را باید تیره و بازنده دید.

۳. ما با گروهی صلح می‌کنیم که دارای روایت متناقض است. روایت طالب از زندگی و سیاست برای جامعه‌ی امروز ما توهین است. طالب در مبحث خشک و بی‌مایه‌ی خود، هیچ‌گونه تغییر نیاورده است. گروهی که انسان‌کشتن اصول کار سیاسی‌اش است هیچ دریچه‌ی جز زور در منظره‌ی تک‌چشم‌اندازش ندارد. اما جامعه‌ی امروز ما پر از گفتمان‌های گوناگون است. زن به‌حیث انسان در جامعه‌ی امروزی فعال است، نیرویی که

توپ در میدان طالبان

با خروج نیروهای خارجی روند صلح به کدام سو می‌رود؟



عباس عارقی

است. «همزمان سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز هماهنگ با امریکا از افغانستان خارج خواهند شد. بسیاری از کشورهای عضو ناتو از این تصمیم استقبال کرده‌اند، اما در میان کشورهای عضو ناتو این تصمیم مخالفان خود را نیز دارد. از جمله رییس ستاد ارتش بریتانیا از این تصمیم امریکا ابراز ناامیدی کرده است: «این تصمیمی نبود که انتظارش را داشتیم.»

در حالی قرار است تا چند ماه محدود دیگر نیروهای خارجی به‌طور کامل افغانستان را ترک کنند که این شب و روزهای

اما میررحمان رحمانی، رییس مجلس نمایندگان در نشست علنی مجلس گفته است که در شرایط کنونی زمینه‌ی خروج نیروهای خارجی از افغانستان فراهم نشده و «احتمال برگشتن به دوران جنگ‌های خطرناک داخلی وجود دارد.»

در این میان اما طالبان از یک طرف اعلام خروج کامل نیروهای بین‌المللی همزمان با سالروز حمله ۱۱ سپتامبر را یک پیروزی می‌داند و از طرف دیگر، از تأخیر چند ماه نراحت است. در واکنش به آن طالبان گفته‌اند که به‌دلیل این تأخیر در نشست روزهای آینده در ترکیه شرکت نمی‌کند. گروه طالبان این تصمیم دولت امریکا را سرپیچی از توافق‌نامه دوحه عنوان کرده و آن را عهدشکنی می‌دانند.

در شرایطی که امریکا تصمیم گرفته است از افغانستان خارج شود برپایه‌ی گزارش روزنامه‌های امریکایی جو بایدن حتا پیشنهاد خروج مشروط جنرال‌هایش را نیز رد کرده است. در افغانستان میدان جنگ داغ است و طالبان گفته‌اند تا زمانی که نیروهای خارجی به‌طور کامل از افغانستان خارج نشوند، در هیچ نشستی که در مورد آینده‌ی سیاسی افغانستان تصمیم گرفته شود، شرکت نخواهند کرد. در این وضعیت چه تصویری برای روند صلح و آینده‌ی سیاسی افغانستان متصور است؟

رویای فتح

الهام غرجی، نویسنده و پژوهشگر سیاست بین‌الملل و حل منازعات در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید که خروج نیروهای خارجی روایت پیروزی در میان طالبان را تکمیل می‌کند و این گروه به‌جای تن‌دادن به توافق سیاسی رویای فتح را می‌بیند. به گفته‌ی آقای غرجی این وضعیت باعث خواهد شد طالبان علاقه‌ای به ادامه‌ی گفت‌وگوی صلح نداشته باشند: «کثر

آن‌ها معتقدند که با در نظرداشت شکاف سیاسی و ضعف رهبری در کابل، در نهایت می‌توانند بر کشور غلبه کنند.»

الهام غرجی بر این باور است که در صورت ورود طالبان به مذاکرات و شرکت در نشست ترکیه، خروج نیروهای خارجی که به‌نظر طالبان شکست خورده‌اند، باعث می‌شود طالبان از موقعیت قدرت وارد مذاکره شوند. طالبان گفته‌اند که در

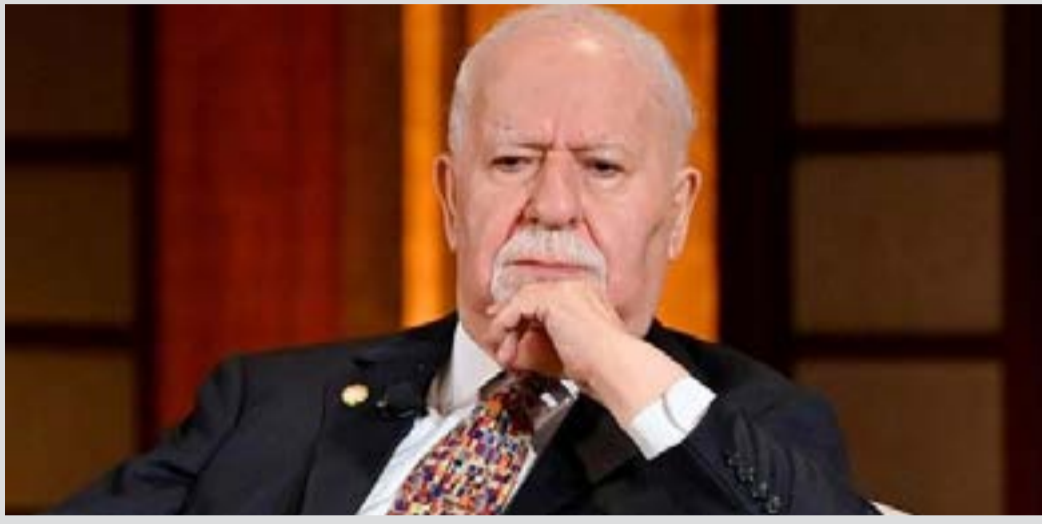
هیچ کنفرانس صلحی تا خروج کامل نیروهای خارجی شرکت نمی‌کنند: «دلیلی محکمی برای این‌که طالبان در کنفرانس صلح ترکیه شرکت کنند وجود ندارد. البته بحث کسب مشروعیت بین‌المللی و فشارهای دیپلماتیک ممکن است طالبان را به نشست صلح ترکیه بکشاند که در آن‌صورت طالبان از موضع قدرت وارد گفت‌وگو خواهند شد. بنابراین، خروج نیروهای خارجی طالبان را در موقعیت بهتری قرار می‌دهد.»

محمداکرام اندیشمند، نویسنده و پژوهشگر در گفت‌وگو با اطلاعات روز معتقد است که اگر یک همسویی و اجماع منطقه‌ای بر سر صلح افغانستان شکل بگیرد موفقیت پروسه صلح بیشتر است. در غیر آن افغانستان وارد مرحله‌ی جدید جنگ خواهد شد. به باور این پژوهشگر، در شرایطی که هنوز چنین اجماعی شکل نگرفته، اولین تأثیر خروج نیروهای خارجی از افغانستان، ایجاد اعتماد و باور کاذب برای طالبان است که خود را برنده و پیروز جنگ بدانند و برای رسیدن به قدرت سیاسی از راه

تحلیل

تاریخ‌نگاری و نگاه از بیرون

به مناسبت درگذشت نویسنده‌ی کتاب «ظهور افغانستان نوین»



عباس اسدیان

«پادشاهان افغان خادم‌ترین و نیکوترین پادشاهان روی زمین‌اند.» پیش‌داوری‌های نوع دوم - که به‌نظر می‌رسد این اواخر در حال شکل‌گرفتن است - اما این‌ها نیستند: «افغانستان هیچ‌وقت آباد نخواهد شد»، «قوم‌گرایی از این کشور گم نخواهد شد»، «تعصب تا ابد در این کشور خواهد بود»، «یک قوم خاص همیشه حکومت می‌کند». گذشته از این که چقدر مخالف و یا موافق این نوع پیش‌داوری‌ها باشیم اما آن چیزی که مشخص است این است که چنین پیش‌داوری‌ها هیچ‌گاه به ما اجازه نخواهد داد تا با واقعیت چیزها مواجه شویم. متأسفانه این نوع پیش‌داوری‌ها در کار تاریخ‌نگاران ما خواه‌ناخواه ورود کرده و این ما را از اصل واقعیت‌ها دور می‌سازد. بنابراین کار آن تاریخ‌نگاری اهمیت فراوان دارد که چنین پیش‌داوری‌هایی نداشته باشد. بنابراین، از آن جایی که گریگوریان با چنین پیش‌داوری‌ها «ظهور افغانستان نوین» را نوشته است، و با «حب» و «بغض»‌هایی که هر تاریخ‌نگار داخلی ممکن است با آن درگیر باشد درگیر نبوده، کار او از اهمیت ویژه برخوردار است. البته این موضوع نه‌تنها منحصر به کار گریگوریان بلکه متعلق به کار هر پژوهشگری می‌باشد که تعلقات عاطفی، قومی و ملی نسبت به افغانستان ندارد. در یک کلام، پژوهشگران خارجی از این حیث می‌توانند وقایع را به صورت بهتر قضاوت کنند تا خود افغان‌ها که هرچیز را برحسب پیش‌داوری‌ها و تعلقات‌شان می‌بینند. نگاه از بیرون می‌تواند نگاهی عاری از حب و بغض است.

نوگرایی و تحصیل‌معیاری

مسئله اساسی برای گریگوریان در مورد افغانستان مدرنیسم و نوگرایی است و برای ترویج نوگرایی آموزش و پرورش را کلیدی‌ترین امر می‌داند. گریگوریان راه پویایی و آبادی افغانستان را از طریق آموزش و پرورش ممکن می‌داند. او می‌نویسد «مطمئن‌ترین راه برای توسعه آن است که تمام تلاش خود را به کار ببریم تا پسران و دختران تحصیل‌کرده طبق استاندارد روز تربیت کنیم.» این مسئله نه‌تنها برای افغانستان بلکه از مهم‌ترین مسائل در جهان مدرن نیز است. تأکید بر روی آموزش و پرورش اشاره به همان سخن معروف فرانسویس بیکن دارد که می‌گفت «دانش، قدرت است.» گریگوریان در این راستا که «دانش، قدرت است» تلاش‌های فراوان نمود. نجات کتاب‌خانه عمومی نیویورک از فروپاشی عمده‌ترین تلاش‌های او در این راستا می‌باشد. اما گذشته از خصلت‌های نیکویی که در کار گریگوریان درباره‌ی افغانستان وجود دارد نکات منفی هم وجود دارد. عمده‌ترین نکته منفی درباره‌ی کار گریگوریان این است که او چون در افغانستان زندگی نکرده، شناخت دقیق از ساختار جامعه افغانی ندارد. درست است که گریگوریان برای نوشتن کتاب مهم «ظهور افغانستان نوین» به کشورهای مختلف (از جمله افغانستان) سفر کرده و از معتبرترین منابع استفاده کرده است، اما چنین تلاش‌هایی نمی‌تواند خلاء عدم حضور در متن یک جامعه را پر کند. از این‌رو کار او بیش از آن که یک تحقیق میدانی و ناشی از تجربه‌ی زیسته‌ی او باشد به یک تحقیق کتاب‌خانه‌ای می‌ماند. او با این ویژگی لاجرم گرفتار کلیات می‌شود و نمی‌تواند به جزئیات نفوذ کند. چه کسی می‌تواند انکار کند که شناخت یک شهروند افغانستان از وضعیت زندگی در افغانستان کمتر از شناخت یک پژوهشگری است که برپرسش مثال از درون کتاب‌خانه‌ها درباره‌ی وضعیت زندگی افغان‌ها تحقیق می‌کند؟ جواب ما به این پرسش هرچه باشد ولی نمی‌توان گفت شناخت اتباع یک کشور نسبت به وضع موجود در کشورشان کمتر از شناخت افراد بیرونی است. البته برای رفع سوءتفاهم باید گفت هدف ما مقایسه دانش تاریخی شهروندان عادی کشور با تاریخ‌نگارانی چون گریگوریان نیست، بلکه صرفاً بیان این نکته است که دریافت اتباع یک کشور از «وضع موجود» دقیق‌تر از دریافت کسانی‌اند که زندگی در آن کشور را تجربه نکرده‌اند.

واریان گریگوریان، نویسنده‌ی ارمنی-آمریکایی و زاده‌ی ایران، روز پنج‌شنبه در سن ۸۷ سالگی از دنیا رفت. آنچه گریگوریان را برای مردم افغانستان تبدیل به یک شخصیت مهم می‌کند کتاب او تحت عنوان «ظهور افغانستان نوین» است. این کتاب که از چهارده فصل تشکیل شده است تحولات افغانستان میان سال‌های ۱۸۳۲ تا ۱۹۴۶ را به بررسی گرفته است. «ظهور افغانستان نوین» را علی‌عالمی کرمانی به فارسی ترجمه کرده و انتشارات عرفان آن را در زمستان ۱۳۸۸ چاپ کرده است. این کتاب تاریخ افغانستان را با رویکرد تحلیلی-انتقادی به بررسی گرفته است.

گریگوریان، که علاقه‌ی خاص به تاریخ افغانستان داشت، در رشته‌ی تاریخ و علوم انسانی تحصیل کرده بود. او در سال ۱۹۶۴ از دانشگاه استنفورد مدرک دکترای گرفت و رساله‌ی دکترای او تحت عنوان «سنت‌گرایی و مدرنیسم در افغانستان» می‌باشد.

نگاه از بیرون

ما در حوزه‌ی تاریخ افغانستان با قلت کتاب مواجه نیستیم، کتاب‌های زیاد در مورد تاریخ افغانستان نوشته شده و کتاب‌هایی هم در حال نوشته‌شدن‌اند. اما از آن جایی که اکثر این کتاب‌ها توسط پژوهشگران داخلی نوشته شده لاجرم بعضی پیش‌داوری‌ها و پیش‌فرض‌ها در آن دخیل است. مهم‌ترین پیش‌داوری‌هایی که کار تاریخ‌نگاران ما را متأثر می‌کند ملی‌گرایی و یا حتا مسائل چون مذهب، زبان و قومیت می‌باشد. در چنین حالت اتفاق‌های تاریخی آن‌گونه که در بیرون رخ می‌دهند روایت نمی‌شوند، بلکه ابتدا با یک سلسله پیش‌فرض‌ها همراه شده و بعد به خورد خواننده داده می‌شوند. این کار آسیب جدی به کار تاریخ‌نگاری حرفه‌ای وارد می‌کند و از این‌رو از اهمیت کار تاریخ‌نگاری که وقایع را با پیش‌فرض‌ها مکتوب می‌کند کاسته می‌شود.

در تاریخ تفکر غربی (با تأکید به قرن بیستم) چند متفکر انگشت‌شمار بر روی موضوع چگونگی روایت‌کردن اتفاق‌ها و قضاوت درباره‌شان نظریه‌پردازی کرده‌اند. به‌صورت عموم از حوزه کاری این متفکران تحت عنوان «پدیدارشناسی» نام برده می‌شود که از ادوموند هوسرل (فیلسوف آلمانی) به‌عنوان بنیان‌گذار پدیدارشناسی یاد می‌کنند. او شعار «بازگشت به خود چیزها» را سر می‌داد و ادعا داشت شناخت دقیق از هر پدیده‌ای - چه تاریخی و چه اندیشگانی - ممکن نیست مگر این‌که به خود آن پدیده رجوع شود. معنای حرف هوسرل این است برای این‌که بتوانیم چیزی را درست بشناسیم لازم است تمام پیش‌داوری‌هایمان را کنار بگذاریم. تا جایی که به این یادداشت برمی‌گردد در نظرگرفتن این نکته برای تاریخ‌نگاران اهمیت حیاتی و انکارناپذیر دارد که صرفاً خود واقعه را روایت کنند و از پیش‌داوری‌هایشان فاصله بگیرند. اما بدبختانه این همان نکته‌ای است که ما مردم نمی‌توانیم آن را در نظر داشته باشیم. زیرا برای ما آنچه که مهم است همین پیش‌داوری‌هایمان است و برحسب همین پیش‌داوری‌ها است که راجع به هرچیز فکر، و در نتیجه قضاوت می‌کنیم. نتیجه‌ای چنین تفکری این است که واقعیت‌ها را نه آن‌طور که واقعا در بیرون رخ می‌دهند بلکه همان‌طور که ذهن ما می‌خواهند می‌بایم.

پیش‌داوری‌هایی که ذهن ما را تسخیر کرده‌اند به دو دسته تقسیم می‌شوند: یا ملی‌گرایانه‌اند و یا بدبینانه و تفرقه‌افکنانه. این پیش‌داوری‌ها عموماً از «حب» و «بغض»‌های ما راجع به یک موضوع ناشی می‌شوند. نمونه‌های بی‌شمار پیش‌داوری‌های ملی‌گرایانه در کتاب‌های درسی مکتب وجود دارد. کتاب‌های تاریخ دوره‌ی مکتب پر است از شعارهای قهرمانانه و غلطانداز. آنچه که به شاگردان مکتب آموزش داده می‌شود چیزهایی نظیر این است: «افغان‌ها ملت شکست‌ناپذیر و سربلند در طول تاریخ‌اند»، «افغان‌ها غیور هستند»، «افغان‌ها قهرمان‌اند»،

کشته، تحقیر و توهین کرده است. من روشن‌فکر که اوضاع سیاسی را هم می‌توانم درک کنم، طالب هنوز برای من دشمن است. کی می‌تواند انکار کند که مناسبات درون‌اجتماعی ما هنوز هم بر ضد طالبان‌سیم شکل گرفته و زنده است. امریکا با ابرقدرت بودنش، برای راندن طالب به جغرافیا و مردم نیاز داشت. امروز همین مردم با سلاح خود آماده‌ی درگیری با طالب است. صلح‌گران درون‌بافت‌های اجتماعی را چگونه آشتی می‌دهند؟

به‌هرحال، از این آشفته‌بازار سیاسی نمی‌توان حتا به ارائه‌ی یک راه‌حل تأکید داشت، اما باور نویسنده بر این است که آسیب‌های صلح آینده به‌لحاظ درون‌اجتماعی-سیاسی بیش‌تر از جنگ امروز است. آن‌چه به‌عنوان صلح با تداوم این وضعیت فعلی اتفاق می‌افتد «صلح» نه بلکه یک «وضعیت» است. وضعیتی که به لحاظ عقلانی قابل پیش‌بینی و قریب به اتفاق است. در این «وضعیت» وضع ما به حیث کسانی که در مقابل روایت طالب قرار داریم، موهوم است. من به‌حیث یک شهروند می‌خواهم بگویم که ما با قانون اساسی و یک دولت هنوز به تفاهم درونی نرسیده‌ایم که روی میز با طالب چه بگویم. ما از درون به حدی متلاشی شده‌ایم که اهمیت منافع ملی‌مان را در یک موقعیت طوفانی درک نمی‌کنیم. این بی‌تفاوتی سیاسی-مدنی در قبال قضیه‌ی صلح بسیار صدمه‌زننده‌ی کلان‌روایت‌های اجتماعی ماست. برای تمام طرف‌های درگیر و مشترک‌المنویات این‌سوی میز طالب، خیلی دیر است. این نمادهای گرگ‌ومیش داخلی، نگذاشتند امروز به‌حیث یک ملت با روایت مشترک، در سرنوشت آینده‌ی خویش سهیم باشیم. صلحی که در تداوم یک جنگ دیگر است!

گزارش

حالا به جز قتل‌های هدفمند، کشتار و خون‌ریزی، هیچ‌گونه حسن‌نیت در زمینه‌ی صلح از سوی طالبان شاهد نبوده‌ایم.» خانم فهیمی در مورد نگرانی برخی از مقام‌های دولتی و مردم در مورد سقوط نظام فعلی و تکرار جنگ داخلی معتقد است که نظام فعلی به همین حالت باقی خواهد ماند: «ممکن یک مقدار تغییرات در سطح رهبری حکومت افغانستان بیاید، اما این‌که نظام کاملاً از بین برود بعید است. فکر نمی‌کنم امریکایی‌ها دستاوردهای این دو دهه را به این راحتی بگذارند از بین برود و خودشان بروند.»

الهام غرجی در مورد نگرانی اروپا‌شناسی نظام و جنگ داخلی معتقد است که این بحث مربوط به مسائل داخلی افغانستان است. از نظر او دو عامل باعث خواهد شد نظام فرو نیفتد و طالبان وارد مذاکره شوند؛ یکی ادامه‌ی کمک‌های نظامی، مالی و استخباراتی و حمایت سیاسی از حکومت در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای و دیگری خلق اجماع و وحدت سیاسی در میان بازیگران داخلی. آقای غرجی می‌گوید اگر حکومت بتواند در هر دوی این‌جهت موفق عمل کند، خطر فروپاشی را رفع می‌کند. اما تردیدهای جدی در این زمینه وجود دارد. کمک‌های خارجی کماکان ادامه خواهد یافت، ولی حمایت سیاسی از حکومت در سطح جهان و منطقه به‌شدت پایین است: «به استثنای هند و تا حدودی هم ایران، کشورهای منطقه از حکومت غنی حمایت نمی‌کنند. در داخل نیز سطح حمایت و مشروعیت دولت بسیار پایین است. به‌لحاظ سیاسی جلوگیری از فروپاشی مستلزم اصلاحات گسترده در حکومت است. رهبری فعلی فاقد توانایی لازم برای اجماع سیاسی در داخل و منطقه است.»

در طول تاریخ شرقی منغل اجتماعی نگه داشته شده است. رسانه‌ها آزادند. سینما، موسیقی و هنر تازه جان می‌گیرد. بیرون از محدوده‌ی قانونی کسی توهین، تحقیر و با کیبل زده نمی‌شود. به‌خاطر یک گمان کسی سنگ‌سار نمی‌شود. مکتب داریم، دانشگاه داریم. جامعه‌ی مدنی داریم و جامعه‌ای که حداقل بدون آن‌که به‌سوی هم شلیک کنند، حرف می‌زنند، حق می‌خواهند، مبارزه می‌کنند و اعتراض و انتقاد می‌کنند. تقابل روایت‌های از اساس با هم مخالف را چگونه به صلح می‌رسانید؟

۴. مردم طالب را مثل یک گذشته‌ی سیاسی نه بلکه مثل یک گذشته‌ی سیاه و کابوسی می‌پندارند. طالب روایتی‌ست که هیچ قوم، ملیت، زبان، ایدئولوژی و مذهبی آن را از خود نمی‌داند. یک روایت مطرود اجتماعی افغانستان است. طالب به‌لحاظ روایت همان‌قدر نفرت‌انگیز است که در مقابل آن ذهنیت ضدطالبی شکل گرفته است. بسیار اتفاق افتاده که در بعضی مناطق وقتی کسی از آنان طالب شده، آن را کشته‌اند. در بعضی جاهای دیگر، طالبان در میان مردم اقوام دیگر نفوذ کرده‌اند و ضدطالب با ذهنیت طالبانی حتا در قریه حاکم است. این روایت طالبی در ذهنیت زنده‌ی اجتماعی افغانستان چنان با خشونت حک شده است که نمی‌توان با هیچ صلحی آن را زدود. طالب دو رئیس‌جمهور، یک‌قهرمان ملی و صدها سردار اقوام دیگر را کشته است. طالب در بعضی مناطق تجاوز ناموسی کرده است، ریش‌سفید را با کیبل

جنگ آماده شوند: «خروج قبل از توافق صلح موقف طالبان را در مذاکرات تقویت می‌کند و برعکس به تضعیف موقعیت دولت می‌انجامد. طالبان را در حالتی قرار می‌دهد که از لحاظ سیاسی به خواست‌های نامعقول خود بیشتر پافشاری کنند.»

آقای اندیشمند معتقد است که خروج امریکا قبل از توافق صلح حتا نقض توافق‌نامه دوحه توسط امریکایی‌ها است. زیرا خروج نیروهای خارجی مشروط به پیشرفت مذاکرات صلح، کاهش خشونت از سوی طالبان و قطع رابطه‌ی این گروه با القاعده و گروه‌های تروریستی دیگر توافق شده بود.

تاکنون هیچ یک از این شرط‌ها تحقق نیافته است. بنابراین امریکایی با خروج از افغانستان بی‌اعتنایی خود را به نشان می‌دهند و به تعهدات خود پشت پا می‌زنند.»

توپ در میدان طالبان

نیکبخت فهیمی، نماینده مردم بامیان در پارلمان در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید که خبر خروج نیروهای خارجی از افغانستان از این جهت خوب است که دیگر فرصت بهانه‌گیری برای طالبان نمی‌ماند. همان‌طوری که یکی از خواسته‌های طالبان همین بود که نیروهای خارجی از افغانستان خارج شوند و بعد آتش‌بس خواهند کرد: «با این‌حال فعلاً توپ در میدان طالبان است. ولی باز هم به برقراری صلح خوش‌بین نیستیم. چرا که از شروع مذاکرات صلح تا

تعهد چین و آمریکا برای همکاری در خصوص تغییرات اقلیمی



وی به خبرگزاری رویترز گفته است: «همکاری آمریکا و چین یک پیام بسیار صریح دارد و پیش از جلسات شانگهای کسی توقع امکان چنین توافقی را نداشت». سفر جان کری به چین اولین سفر مقام بلندپایه ایالات متحده پس از روی کار آمدن جو بایدن بود. با این حال مقامات ایالات متحده و چین ماه گذشته در آلاسکا برای مذاکره دیدار کرده بودند. پیش از سفر، آقای کری به تلویزیون سی‌ان‌ان گفته بود که همکاری چین در مسئله تغییرات اقلیمی «بسیار تعیین کننده» خواهد بود. دانشمندان تغییرات اقلیمی هشدار داده‌اند که افزایش دمای هوای جهان باید زیر ۲ درجه سانتی‌گراد باشد، با هدف دستیابی به یک برآورد بلند پروازانه افزایش تنها یک و نیم درجه سانتی‌گراد، برای جلوگیری از بدتر شدن تغییرات اقلیمی و آب‌وهوایی.

یا خیر. در بیانیه مشترک دو کشور آمده است: «ایالات متحده آمریکا و چین برای همکاری یا یکدیگر و سایر کشورها متعهد شده‌اند تا در برابر تغییرات اقلیمی که جدیت و اضطراب را می‌طلبد، فعالیت کنند». دو کشور گفته‌اند که به گفتگوهایشان درباره «اقدامات مشخص در دهه ۲۰۲۰ میلادی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای مطابق با توافقنامه پاریس» ادامه خواهند داد. آمریکا و چین همچنین متعهد شده‌اند که به کشورهای در حال توسعه برای تغییر مصرف به سمت انرژی‌های کم کربن کمک کنند. لی شو، مشاور تغییرات اقلیمی گروه محیط زیستی گرین‌پیس با اشاره به این توافقنامه آن را «مثبت» ارزیابی کرده است.

اطلاعات روز: دولت‌های چین و آمریکا گفته‌اند که متعهدند تا در خصوص تغییرات آب‌وهوایی با یکدیگر و سایر کشورها همکاری کنند. به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، پس از چندین دور مذاکره بین شی ژن‌هاو، نماینده چین در تغییرات اقلیمی و جان کری، همتای امریکایی این توافق به دست آمده است. در بیانیه‌ای که روز یکشنبه منتشر شد هر دو طرف تاکید کردند که اقداماتی را برای کاهش گازهای گلخانه‌ای انجام دهند. قرار است این هفته جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا اجلاس مجازی در خصوص تغییرات اقلیمی را برگزار کند و چین از این امر استقبال کرده است. با این حال مشخص نیست که آیا شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین در این اجلاس مجازی که سایر رهبران جهان شرکت خواهند کرد، حاضر خواهد شد

جمهوری چک ۱۸ دیپلمات روس را اخراج کرد

چک ایستاده، گفته است، ما از اقدامات قابل توجه (دولت چک) برای افشای اقدامات خطرناک روسیه در خاک چک تقدیر می‌کنیم. اخراج دیپلمات‌های روس توسط دولت جمهوری چک دو روز پس اقدام آمریکا صورت گرفته است. دولت آمریکا روز پنجشنبه اعلام کرد که به تلافی دخالت روسیه در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰ و حمله هک‌های وابسته به کرملین به نهادهای دولتی آمریکا، ۱۰ دیپلمات روس را اخراج و ۳۸ شخصیت حقیقی و حقوقی روسیه را تحریم می‌کند. روسیه هم روز گذشته اعلام کرد در واکنش به این اقدام واشینگتن، مسکو نیز از ۱۰ دیپلمات امریکایی خواهد خواست خاک این کشور را ترک کنند و تحریم‌هایی علیه هشت مقام امریکایی اعمال خواهد شد.

به این افراد ۴۸ ساعت مهلت داده شده تا خاک جمهوری چک را ترک کنند. یان هَماچک این ۱۸ دیپلمات شاغل در سفارت روسیه را عامل مخفی «سرویس اطلاعات خارجی» و «اداره اصلی اطلاعات فدراسیون روسیه» معرفی کرده است. انفجار در انبار یک کارخانه مهمات سازی منطقه وربتیچ در جنوب شرقی پراگ پایتخت جمهوری چک در ۱۶ اکتبر ۲۰۱۴ دو کشته برجای گذاشت. در سوم دسامبر همین سال یک انفجار دیگر در این کارخانه رخ داد. به دنبال این انفجارها، صدها نفر از روستاهای مجاور مجبور به ترک خانه‌ها و محل زندگی خود شده بودند. جنیفر باخوس، کاردار در سفارت ایالات متحده در پراگ، با اشاره به این که آمریکا در کنار متحد خود، جمهوری



اطلاعات روز: جمهوری چک روز شنبه ۲۸ حمل اعلام کرد که ۱۸ دیپلمات روس را به دلیل «جاسوسی و دست داشتن در انفجار یک انبار مهمات نظامی در سال ۲۰۱۴» اخراج می‌کند. به گزارش رادیو فردا، آندری بابیش، نخست‌وزیر جمهوری چک گفته است که تصمیم اخراج دیپلمات‌های روس براساس «شواهد صریح» ارائه شده توسط سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی چک در خصوص دخالت عوامل نظامی روسیه در انفجار گسترده در یک شهر شرقی اتخاذ شده است. آندری بابیش اضافه کرده است، جمهوری چک یک کشور مستقل است و می‌بایست به طور مقتضی براساس شواهد بی‌سابقه به دست آمده، واکنش نشان دهد. یان هَماچک، زیر خارجه جمهوری چک، هم گفته است

عرب‌نیز:

یک مقام عربستان سعودی مذاکره با ایران در بغداد را رد کرد

جمهوری اسلامی و حمایت‌هایش از گروه‌های نیابتی از جمله حوثی‌های یمن است. فاینشال‌تایمز همچنین به نقل از مقام مطلع نوشته است از جمله مسائل مورد مذاکره بین ایران و عربستان موضوع حملات حوثی‌ها به خاک عربستان بوده که روند آن نیز مثبت قلمداد شده است.

رد مذاکره از سوی ریاض و تهران

با این حال فاینشال‌تایمز نوشته یک مقام سعودی هرگونه مذاکره با ایران را رد کرد و مقام‌های ایران نیز برای پاسخگویی در این زمینه در دسترس نبوده‌اند. همزمان روزنامه عرب‌نیز نیز به نقل از یک مقام ارشد عربستان سعودی این مساله را تکذیب کرد. شبکه المیادین هم به نقل از یک منبع ایرانی این مذاکرات را رد کرده است. هیچ نام و مشخصاتی از این مقام‌ها و منابع منتشر نشده است. نخست‌وزیر عراق ماه گذشته میلادی سفری به عربستان سعودی داشته است. پیش از آن هم در زمستان سال گذشته هیاتی دیپلماتیک از سوی نخست‌وزیر عراق به تهران رفته بود. هفته گذشته یک مقام وزارت خارجه عربستان سعودی به خبرگزاری رویترز گفته بود اقدامات اعتمادساز می‌تواند زمینه را برای گفت‌وگوهای گسترده با مشارکت خلیج فارس فراهم کند. با وجود تنش میان دو کشور طی چند سال اخیر و پس از خروج دولت دونالد ترامپ از برجام، مقام‌های دو کشور چندین بار نیز بر آمادگی برای بازسازی روابط خود تاکید کرده بودند.

اطلاعات روز: ساعاتی پس از آنکه روزنامه فاینشال‌تایمز گزارش داد مقام‌های ارشد عربستان سعودی و ایران مذاکرات مستقیمی را با هدف ترمیم روابط دوجانبه در پایتخت عراق برگزار کرده‌اند، روزنامه عرب‌نیز به نقل از یک مقام ارشد ریاض و شبکه المیادین به نقل از یک مقام ایرانی این خبر را تکذیب کردند. به گزارش ایران اینترنشنال، فاینشال‌تایمز یکشنبه ۲۹ حمل به نقل از مقام‌های مطلع نوشت دور نخست این مذاکرات روز ۲۰ حمل و در بغداد صورت گرفته است. این خبر پس از چهار سال قطع روابط و تنش دیپلماتیک میان دو کشور و همچنین همزمان با پیشرفت مذاکرات تهران و ۴+۱ در وین گزارش شد. تهران اعلام کرده مذاکراتش برای رفع تحریم‌های آمریکا در مسیر درستی قرار گرفته است. ریاض پیشتر بارها اشاره کرده بود که عربستان سعودی و کشورهای خلیج فارس باید در این مذاکرات غرب با تهران برای توافق جدید حضور داشته باشند. از جمله نگرانی‌های ریاض درباره ایران برنامه موشکی، فعالیت‌های منطقه‌ای



زلزله‌ی بوشهر؛

قطع برق و تلفن مشترکان روستایی، آسیب به تأسیسات نفت و گاز

سیم‌ها خبر داده است، با این حال شبکه آب و گاز استان «پایدار» گزارش می‌شود. روزنامه همشهری گزارش داده در مناطق زلزله‌زده گناوه علاوه بر برق، شبکه تلفن و اینترنت مشترکان نیز قطع شده و موجب نگرانی ساکنان شده است. خبرگزاری ایسنا اشاره کرده بر اساس ارزیابی‌های اولیه، حدود ۱۰ روستا در مرکز وقوع زلزله دچار خسارت شده‌اند.



روز یکشنبه زمین‌لرزه به بزرگی ۹/۵ بندر گناوه در استان بوشهر را لرزاند که عمق آن ۱۰ کیلومتری زمین گزارش شد. این زمین‌لرزه در استان‌های مجاور نیز حس شد. پس از این زلزله گزارش‌هایی از پس‌لرزه‌های متعدد تا ۱۵ بار هم منتشر شده است. گزارش‌هایی از آسیب به برخی تأسیسات صنعتی نیز منتشر شده است. با آنکه مسئولان نیروگاه اتمی بوشهر می‌گویند «هیچ‌گونه آسیبی به این نیروگاه وارد نشده» و فعالیت‌های آن دچار اختلال نیست، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران از آسیب در بخش‌هایی از تلمبه‌خانه گوره خبر داد. هوشنگ صیدالی، مدیرعامل این شرکت، گفت: «یکی از توربین‌های تلمبه‌خانه گوره از سرویس خارج شد که نیروهای عملیاتی در حال بازگرداندن آن به سرویس هستند. بخشی از سقف ساختمان تلمبه‌خانه گوره الف و سی نیز ریزش کرده است.» از سوی دیگر ویدیوهایی هم منتشر شده که نشان می‌دهد زلزله موجب ریزش کوه در یکی از مناطق اطراف گناوه شده است.

اطلاعات روز: بر اساس اعلام مقام‌های هلال احمر و اورژانس، در پی زلزله یکشنبه در مرز استان‌های بوشهر و فارس دست‌کم پنج نفر مصدوم شده‌اند؛ همزمان گزارش‌هایی از آسیب به بخش‌هایی از تأسیسات نفت و گاز جنوب کشور و قطعی برق و تلفن صدها مشترک روستایی منتشر شده است. به نقل از ایران اینترنشنال، مجتبی خالیدی، سخن‌گوی اورژانس کشور، روز یکشنبه ۲۹ حمل گفت تاکنون چهار نفر در زمین‌لرزه مصدوم شده‌اند که درمان آن‌ها به صورت سرپایی صورت گرفته است. با این حال رئیس جمعیت هلال احمر گناوه از پنج مصدوم خبر داده بود. هنوز تلفات جانی برای این زلزله گزارش نشده است. همزمان تصاویر متعددی از تخریب خانه‌ها و مدارس ساکنان مناطق زلزله‌زده در رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شود. اورژانس کشور از برپایی سه بیمارستان صحرایی و همچنین آمادگی سه فروند بالگرد خبر می‌دهد. یک مقام وزارت نیرو هم از قطع برق ۳۰۰ مشترک روستایی بوشهر در پی تخریب خانه‌ها و پاره شدن

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهریار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۱۹۵۲

شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷

آدرس: کابل، کارته‌سه

رضا حسینی و حسین علی کریمی

مونسوتی در بخش اول کتاب به تئوری‌های مهاجرت می‌پردازد و چشم‌انداز وسیع نظری در حوزه‌ی مهاجرت معرفی می‌کند و به نقد تیوری‌های کلاسیک مهاجرت می‌پردازد. هرچند نظریه‌های مهاجرت از عمر طولانی برخوردار نیستند اما او آن‌ها را جسورانه نقد می‌کند. عموم نظریه‌های کلاسیک با تکیه بر مفهوم دولت-ملت، مهاجرت را به صورت یک امر نابهنجار تصویر می‌کنند و بیشتر به دنبال فهم انگیزه‌های مهاجران است که از طریق نیروهای دافعه و جاذبه در یک سرزمین هستند. این نظریه‌ها، مهاجران را به عنوان گروهی بیچاره و از ریشه برکنده شده تصویر می‌کند. پالیسی‌های مهاجرت متأثر از نگاه دولت-ملت است. اما تئوری‌های جدیدتر در حوزه مهاجرت بر عاملیت مهاجران و پویایی مهاجرت تأکید بیشتری دارد که با تمرکز بر مفهوم دیاسپورا آغاز می‌شود و به دنبال آن با پیوندزایی از مفهوم فرهنگ و مکان بر مفاهیمی مانند شبکه و سرزمینیت‌زدایی تأکید می‌کنند و مهاجرت را بهنجار می‌دانند. این نوع دیدگاه‌ها از چهارچوب تنگ دولت-ملت رها شده و بر مطالعات فراملیتی تأکید دارند. مونسوتی در سایه‌ی نقد دیدگاه‌هایی که تأثیر عمده بر شکل‌گیری کارهای آکادمیک گذاشته، دلبستگی بیشتری به چشم‌اندازهای نظری نو، نشان می‌دهد. او از نارسایی تعریف پناهنده در کنوانسیون ۱۹۵۱ در توصیف وضعیت انسان افغانی آغاز می‌کند:

«اصطلاح پناهنده به شخصی اطلاق می‌شود که به علت ترس موجه از این‌که به دلیل نژاد، مذهب یا ملیت یا عضویت در یک گروه اجتماعی یا به دلیل عقاید سیاسی‌اش مورد شکنجه قرار بگیرد، در خارج از کشوری که ملیت آن را دارد زندگی می‌کند و نمی‌تواند به دلیل ترس مذکور به آن کشور بازگردد» طبق این تعریف، پناهنده انسان مجبور و در گریزی است که در جست‌وجوی سرپناه امن است.

مونسوتی معتقد است که چنین تعریفی بر حرکت مهاجرتی چرخشی هزاره‌ها قابل تطبیق نیست. هزاره‌ها به دلایل مختلفی چون جنگ، تبعیض، زیارت، کار ... مهاجرت می‌کنند و مدام به افغانستان برمی‌گردند و دوباره مهاجرت می‌کنند. او اساساً با دوگانه‌ی «پناهنده و مهاجر»، مخالف است که یکی را به عنوان مهاجرت اجباری و دیگری را به عنوان مهاجرت اقتصادی، تصویر می‌کند. پژوهشگرانی چون لیزا شوستر بر چنین بحثی تأکید می‌کنند. به باور آن‌ها نگاه دوگانه، اساساً اشتباه است. مهاجرت همواره براساس

مجموعه‌ای از دلایل اتفاق می‌افتد که ممکن است همزمان اقتصادی و ترس از آزار و اذیت به دلیل عقاید و ... باشد. در واقع دوگانه‌ی «پناهنده و مهاجر»، بیشتر ابزاری برای کنترل مهاجرت در کشورهای غربی است. چون دولت‌ها در مقابل پناهنده تعهداتی دارند که در برابر مهاجران، آن تعهدات را ندارند. بنابراین سعی می‌کنند با سخت‌تر کردن شرایط پناهندگی و اخذ آن و مکانیزم‌هایی چون برچسپ‌زدن مهاجر اقتصادی، آنان را به راحتی اخراج کنند.

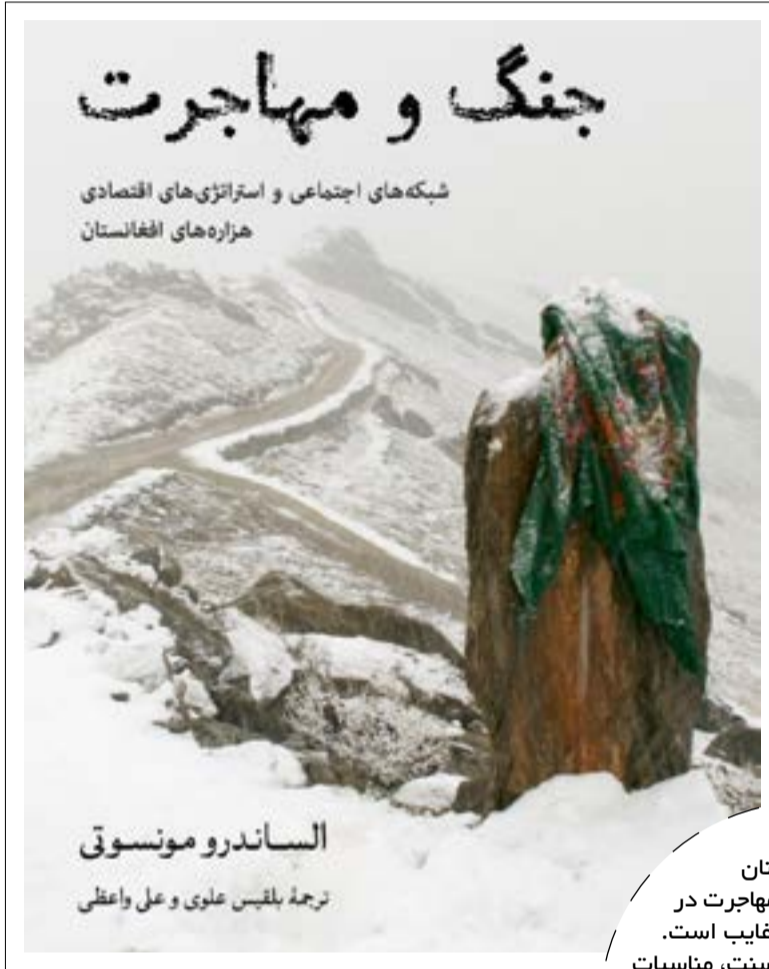
مونسوتی در فصل‌هایی از کتاب با توصیف از همبستگی‌ها در نهایت به مفهوم جامعه‌ی شبکه‌ای می‌رسد که مبتنی بر اعتماد و متکی بر روابط خویشاوندی، قومی و دوستی است. و هزاره‌ها را در پاکستان، ایران و افغانستان از این طریق به یکدیگر متصل می‌کند. آن‌ها از مرزها عبور می‌کنند، کالاها و پول خود را انتقال می‌دهند. در مواقع مختلف از همدیگر برای یافتن کار یا سایر موقعیت‌های حساس زندگی حمایت می‌کنند.

به نظر می‌رسد که چنین شبکه‌هایی، همان‌طور که امروزه نیز وجود دارند به نوعی کارکردهای دولت را بر عهده دارند. بدین گونه که در جامعه‌ی جنگ‌زده، افراد همواره در مقابل گروه‌های مختلف جنگ و نهادهای فاسد دولتی، آسیب‌پذیری بیشتری دارند و دولت هم توانایی محافظت و ارائه‌ی خدمات اولیه را ندارد. در چنین شرایطی، شبکه‌های قومی فعال‌تر می‌شوند تا به نوعی غیبت دولت را که تأمین نیازهای اولیه مردم چون امنیت و محافظت

است، جبران کنند. مونسوتی به خوبی تأثیر جنگ و مهاجرت را در دورترین قریه‌های افغانستان توصیف می‌کند. این‌که جنگ چگونه سلسه مراتب قدرت را به صورت مرتب در جامعه‌ی هزاره تغییر می‌داد و گروه‌های مختلف ظهور می‌کردند و یا مشروعیت خود را از دست می‌دادند. ظهور و سقوط میرها، خان‌ها، اهمیت تبار، زمین، آب، اشرافیت مذهبی، روشنفکران مذهبی و چپ‌ها، پیوندها با احزاب سیاسی، گروه‌های جوان جویای نام، ظهور و بروز جریان‌های مختلف سیاسی و مذهبی در مدتی کوتاه ساختار قدرت را چندین بار در روستای کوچک دهمرده دچار تغییر می‌کند. در نهایت، آنچه این اثر را شاخص می‌کند، نوعی تاریخ‌نگاری اجتماعی است که

جنگ و مهاجرت (۲)

شبکه‌های اجتماعی و استراتژی‌های اقتصادی هزاره‌های افغانستان



الساندر و مونسوتی

ترجمه بلقیس علوی و علی واعظی

نقش

و نگرش زنان هزاره در فرایند مهاجرت در مطالعه‌ی مونسوتی غایب است. تصویر او از فرهنگ، سنت، مناسبات اجتماعی و آداب و رسوم مردم هزاره، فاقد حضور و عاملیت زنان است. بررسی مردم‌شناسی و مهاجرت هزاره‌ها به خصوص در دهه‌های گذشته بدون بررسی نقش زنان با کاستی‌هایی جدی مواجه است.

تأثیرات جنگ و مهاجرت را با جزئیات فراوانی ثبت می‌کند و از این منظر، متنی ارزشمند است. از نظر مونسوتی در حافظه‌ی مردم هزاره، مهاجرت یک امر تکین و یگانه نیست، بلکه تبدیل شدن به بخشی از استراتژی بقا است. هزاره‌ها «به این تروما به مثابه‌ی تجربه‌ای منحصر به فرد و برگشت‌ناپذیر نمی‌نگرند. بلکه برعکس آن را به عنوان تکرار رخداد‌های گذشته می‌بینند». حافظه تاریخی مردم هزاره از این مهاجرت‌های فردی و جمعی سرشار است. نگرش مونسوتی به هویت هزاره، تبارگونه و تاریخی نیست، بلکه هویت هزاره را بیشتر یک وضعیت اجتماعی می‌داند که با

حاشیه‌راندگی، مبارزه و سرکشی در مقابل نیروهای سلطه و استثمارگر شکل گرفته است: «یک هویت مشترک الزاماً بر منشأ تاریخی مشترک دلالت نمی‌کند. در موضوع پژوهش ما باید گفت که احساس تعلق هزاره، نه بر مبنای تبار فرضی مغولی، بلکه براساس فرایند حاشیه‌ای شدن‌شان است. این امر اصطلاح هزاره را بیشتر بر یک وضعیت اجتماعی تصویر می‌کند تا منشأ تاریخی واحد.»

در چنین وضعیتی به نظر می‌رسد که مهاجرت عکس‌العمل به تبعیض و جنگ و مبارزه است. اما مهاجرت هزاره‌ها لزوماً عکس‌العملی به جنگ و خشونت نیست. آن‌ها بسیار قبل‌تر از حمله‌ی عبدالرحمان در جست‌وجوی فرصت‌های تازه به هند بریتانیا و کویته کنونی مهاجرت کرده بودند. مونسوتی به خوبی توصیف

می‌کند که چگونه هزاره‌ها در بُره‌های مختلف به کویته مهاجرت کردند. چطور آهسته‌آهسته، سعی کردند ضمن حفظ هویت خود در ساختارهای سیاسی و نظامی شامل شوند و سازوکارهای اقتصادی و اجتماعی خود را بنیان‌گذاری کنند. هرچند تصورات کلیشه‌ای رایجی در بین هزاره‌هایی که شهروند پاکستان محسوب می‌شوند و هزاره‌هایی که اخیراً مهاجرت کردند، وجود دارد اما ایجاد روابط ماندگار را در پس‌زمینه‌ی قومیت فراهم کرده است.

در پایان، نکته‌ای که در روند تحقیق، معلومات‌دهندگان از هر محقق می‌پرسند که تحقیق تو چه کمکی می‌تواند به ما کند؟ یکی از معلومات‌دهندگان نیز از مونسوتی می‌پرسد، تحقیق شما چه کمکی به جامعه‌ی هزاره می‌کند؟ مونسوتی بسیار زیرکانه در نقل قولی به‌طور ضمنی پاسخی برای این معلومات‌دهنده ارائه می‌کند؛ مونسوتی می‌گوید از معلومات‌دهنده‌ام برای وقتی که در اختیارم گذاشته بود، تشکر کردم. او گفت که او «باید سپاسگزار باشد، چرا که این اولین بار است که یک فرد خارجی درباره‌ی زندگی و کارم سوال می‌کند. درحالی‌که روشنفکران کشورم به مردم بی‌سوادی مثل من، علاقه‌ای نشان نمی‌دهند و بعد اضافه کرد که هزاره‌ها، مردمی فراموش‌شده‌اند و تو سفیر ما خواهی شد.»

در نهایت در جریان توقعاتی که معلومات‌دهندگان به‌عنوان یک خارجی دارد، او شاره می‌کند که هدفش ارائه اطلاعات درباره‌ی مهاجرت هزاره‌ها است تا افکار عامه غرب در این باره آگاه شوند. با توجه به چنین چیزی شاید نوشتن مونسوتی با اشتیاق تمام درباره‌ی کشف سیستم حواله برای مخاطب افغان، ملال آور و یادآور خلعت استعمارگرایانه مردم‌شناسی باشد.

دیگر این‌که نقش و نگرش زنان هزاره در فرایند مهاجرت در مطالعه‌ی مونسوتی غایب است. تصویر او از فرهنگ، سنت، مناسبات اجتماعی و آداب و رسوم مردم هزاره، فاقد حضور و عاملیت زنان است. بررسی مردم‌شناسی و مهاجرت هزاره‌ها به خصوص در دهه‌های گذشته بدون بررسی نقش زنان با کاستی‌هایی جدی مواجه است. چرا که هزاره‌ها عموماً با زنان و کودکان‌شان این مهاجرت را تجربه کرده‌اند. هرچند خود او آن را جزء محدودیت‌های تحقیقش برمی‌شمرد و می‌گوید بررسی نقش و دیدگاه زنان برای من میسر نبود. با این همه بررسی مهاجرت هزاره‌ها در غیبت زنان هزاره و نقش آن‌ها یک خلای مطالعاتی است که مونسوتی نتوانسته آن را پوشش دهد.

پایان.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت امور سرحدات و قبایل
ریاست عمومی مالی و اداریریاست تدارکات
آمریت تدارکاتد افغانستان اسلامی جمهوری دولت
د سرحدونو او قبایلو چارو وزارت
د مالی او اداری معینیت

موضوع: اعلان تصمیم اعطایی قرارداد تدارک ۲۴ قلم فرنیچریاب

شماره دعوت به دواطلبی: (MOBTA/1400/NCB/OPT/G.011).

بدینوسیله به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود وزارت امور سرحدات و قبایل در نظر دارد پروژه تدارک ۲۴ قلم فرنیچریاب مورد ضرورت خویش را بابت سال مالی ۱۴۰۰ به شرکت {ذبیح‌الله افغان‌اروپا لمیتد دارنده جواز نمبر (۰۱۰۱-۴۸۲۵) و نمبر تشخیصیه TIN (۰۱۹۳۵۵۰۱۳)} به قیمت مجموعی مبلغ (۸,۵۷۴,۷۸۰) هشت میلیون و پنج صد و هفتاد و چهار هزار و هفت صد و هشتاد افغانی اعطا نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به ریاست تدارکات وزارت امور سرحدات و قبایل واقع ناحیه نهم جوار ستره محکمه وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند.

این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل معیاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی قرارداد منعقد نخواهد شد.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکت‌ها

۴۰۰۰ افغانی

۷۰۰۰ افغانی

شش ماهه

یک ساله

قیمت: ۲۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



دستاوردهای زنان نتیجهی تلاش‌های خودشان است

طوری که در آن خواست‌های زنان مد نظر گرفته شود پافشاری کردند و در مقیاس بزرگی موفق بودند.

پس‌زمینه‌های شکل‌گیری جنبش‌های زنان

در همین حال خانم بتول سید حیدری، فعال حقوق زن و استاد دانشگاه که بحث نظری داشت و در مورد پس‌زمینه‌های شکل‌گیری جنبش‌های زنان صحبت می‌کرد، یادآور شد که جنبش زنان همچون سایر کنش‌های جمعی از دل وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه جهانی سر برآورده است؛ هرچند که دلایل متعددی را برای این ظهور می‌توان برشمرد؛ شاید سه دلیل -گفتمان تجدد و زمینه‌سازی فکری توسط آن، نظام اقتصادی سرمایه‌داری و تأثیر آن بر موقعیت زنان و دولت مدرن لیبرال و مسأله‌ی حقوق زنان- از مهم‌ترین دلایل باشند.

این فعال حقوق زن که از دانشمندی نقل‌قول می‌کرد، گفت که اولین موج جنبش اجتماعی زنان با شعار «تساوی و برابری زن و مرد در همه شئون اجتماعی» در فرانسه پدیدار شد و در واقع نوعی اعتراض به مردسالاری حاکم بر اعلامیه‌ی حقوق بشر فرانسه بود که در سال ۱۷۸۹ به تصویب رسیده بود و در آن آشکارا به حقوق زنان هیچ‌اقتنایی نشده بود: «در همین دوره بود که آثار کسانی چون ماری وولسون کرافت، جان استوارت میل و سن سیمون پدیدار شدند. برخی به درستی همین دوره، یعنی اواخر سده‌ی هجدهم و به‌ویژه دوره‌ی پس از انقلاب کبیر فرانسه را نقطه‌ی آغاز جنبش اجتماعی زنان می‌دانند. عامل دیگر ظهور سوسیالیسم به‌عنوان یک ایدئولوژی تازه و جریان‌ساز در عرصه‌ی اجتماع و سیاست از سوی کسانی چون سن سیمون بود که مدعی بودند، لیبرالیسم به‌رغم شعارهای بلند درباری تضمین تساوی انسان‌ها در حقوق اساسی و حقوق مدنی در عمل به تحکیم بورژوازی می‌پردازد و نابرابری‌ها را تشدید می‌کند. آن‌ها تقریباً از دهه‌ی ۱۸۳۰ پیشگام تساوی کامل زنان در بریتانیا و فرانسه بودند، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت، ظهور ایدئولوژی سوسیالیسم، آخر لیبرال‌ها را ناچار به اعطای پاره‌ای حقوق از دست‌رفته‌ی زنان ساخت.»

فمینیسم

خانم سید حیدری در نتیجه‌گیری صحبت‌هایش فمینیسم را به مثابه‌ی جنبشی اجتماعی خواند که در چند سده‌ی اخیر تحت تأثیر وقایع تاریخی و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه‌ی جهانی پدید آمده است؛ همچنین توانسته است بر وجوه مختلف نظری، ساختاری و کارکردی جهان کنونی تأثیرگذار باشد: «در مورد زمینه‌های ظهور فمینیسم دلایل متعددی از جمله گفتمان تجدد و زمینه‌سازی فکری توسط آن، نظام اقتصادی سرمایه‌داری و تأثیر آن بر موقعیت زنان و دولت مدرن لیبرال و مسأله‌ی حقوق زنان را می‌توان برشمرد.»

به باور این استاد دانشگاه گفتمان انسان‌مداری و عقلانیت مدرن به‌ویژه پس از انقلاب‌های امریکا و فرانسه زمینه‌ساز لزوم توجه به وضعیت زنان و تأمین حقوق انسانی آن‌ها شد. به همین دلیل اولین نشانه‌های شکل‌گیری جنبش زنان را می‌توان در برابری‌خواهی زنانی چون مادام رولان و المپ دوگورژ شاهد بود.



به باور این استاد دانشگاه گفتمان انسان‌مداری و عقلانیت مدرن به‌ویژه پس از انقلاب‌های امریکا و فرانسه زمینه‌ساز لزوم توجه به وضعیت زنان و تأمین حقوق انسانی آن‌ها شد. به همین دلیل اولین نشانه‌های شکل‌گیری جنبش زنان را می‌توان در برابری‌خواهی زنانی چون مادام رولان و المپ دوگورژ شاهد بود.

به باور این فعال حقوق بشر دوستان بین‌المللی افغانستان فکر می‌کنند که فقط حضور آنان بوده که توانسته است حقوق و آزادی‌های اساسی زنان در قوانین افغانستان گنجانده شود.

اما واقعیت این است که زنان افغانستان با استفاده از حضور آنان توانستند تغییرات لازم را در قوانین بیاورند: «ما از حضور دوستان جامعه جهانی برای آوردن فشار بر حکومت و گروه‌های بنیادگرا در جاهایی که لازم بود استفاده کرده‌ایم ولی بیشتر دادخواهی‌ها به خود زنان برمی‌گردد. این موضوع در مورد گفت‌وگوهای صلح نیز صدق می‌کند و زمانی که برای بار اول در فبروری ۲۰۱۹ نشست با طالبان در مسکو صورت گرفت، قضیه تمام‌شده فرض می‌شد و قرار این بود که برای آینده‌ی سیاسی افغانستان تصمیم گرفته شود، اما دادخواهی‌های گسترده‌ی زنان بود که توانست در سطح بین‌المللی به پارلمان اروپا به‌عنوان مثال و کشورهای همسایه صحبت‌ها و دادخواهی‌ها داشته باشند و یک اجماع ملی و بین‌المللی را به‌وجود بیاورند تا صدای خود را به حمایت از زنان افغانستان بلند کنند.»

براساس گفته‌های خانم مصدق وقتی که بحث مذاکرات صلح مطرح شد، این زنان بودند که بر صلح همه‌شمول و قربانی‌محور،

کاملاً بنیادگرایانه در مورد مسائل مربوط به حقوق زنان فکر می‌کردند. این افراد و گروه‌ها بیشتر تلاش داشتند تا یک سلسله موارد در مورد حقوق زنان را یا در قانون نیاورند و یا این‌که اصلاحاتی را بیاورند که بیان‌گر افکار بنیادگرایانه باشد. با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر زنانی که در لویه جرگه قانون اساسی شرکت داشتند و دادخواهی‌هایی که این زنان در گروه‌ها و کمیته‌های مختلف کردند، توانستند که یک سلسله موارد را به نفع زنان تغییر دهند و یا مانع تغییر آوردن در آن جهت منفی شوند.»

خانم مصدق یادآور شد بسیار غیرمنصفانه است اگر گفته شود که زنان افغانستان در ۲۰ سال گذشته هیچ تلاشی نکرده‌اند، چون از یک‌طرف حضور جامعه جهانی به زنان فرصت را مهیا کرد تا بتوانند تغییراتی را که می‌خواستند در سطح قوانین، پالیسی‌ها، لوایح و مقرره‌ها بیاورند و از طرف دیگر اما حضور جامعه جهانی به تنهایی برای آوردن این تغییرات کافی نبود، مثلاً تغییرات نه‌تنها در خود قانون اساسی که در قانون مدنی و قانون جزا نیز آورده شد، و یا پالیسی‌های ملی مانند پالیسی ملی مرتبط به قطعنامه ۱۳۲۵ محصول تلاش‌های چشم‌گیر خود زنان افغانستان بوده است.

برای زنان شاغل یا حضور زنان در پارلمان و کابینه بگنجانند. این موضوع در آن زمان نشان‌دهنده‌ی این بود که جنبش‌های زنان به‌شکل بسیار سازمان‌یافته وجود نداشت اما این موضوعات به‌عنوان مباحث جالفتاده در بین طبقه‌ی نخبه افغانستان بود که راه خود را در بین قوانین افغانستان باز کرد. «با گذر از بحث تاریخی، اگر به حضور زنان زنان در ۲۰ سال اخیر تمرکز کنیم، من به جرأت گفته می‌توانم که توانستیم کاری کنیم که جنبش‌های زنان در طول ۲۰ سال گذشته به شکل سازمان‌یافته و نظام‌مند شکل بگیرند.»

نقش زنان در کمیسیون تسوید قانون اساسی ۱۳۸۳

یکی از مواردی که خانم مصدق به‌طور مستند به آن اشاره کرد، پروسه مسوده کردن قانون اساسی ۱۳۸۳ افغانستان بود. به گفته‌ی وی گروه‌های زنان با حمایت جامعه جهانی و دادخواهی‌های گسترده توانستند مواردی را در قانون اساسی افغانستان بگنجانند: «در این مورد نه‌تنها نقش جنبش‌های زنان و یا حضور فعالان حقوق زن، بلکه حمایت جامعه جهانی نیز چشم‌گیر بود و حضور زنان در کمیسیون‌های مسوده قانون اساسی نقش تعیین‌کننده داشت. یک تعداد از زنانی که در این کمیسیون‌ها حضور داشتند، توانستند تعداد زیادی از موارد مشخص را شامل قانون اساسی کشور کنند و بعد از آن زمانی که لویه جرگه قانون اساسی در سال ۲۰۰۴ برگزار شد و من یکی از اعضای ناظر لویه جرگه بودم، آنجا طبعاً گروه‌هایی بود که با نگرش

فاطمه فرامرز

در آستانه‌ی نشست برنامه‌ریزی‌شده‌ی ترکیه برای صلح افغانستان که ممکن است سرنوشت کشور و به‌ویژه افشار آسیب‌پذیر جامعه دست‌خوش دگرگونی شود، زنان افغانستان دستاوردهای ۲۰ سال گذشته را نتیجه‌ی تلاش‌هایی می‌دانند که خودشان انجام داده‌اند و نمی‌خواهند این دستاوردها قربانی صلح با گروه طالبان شود.

۲۴مین سلسله برنامه‌ی «عدالت، رواداری و صلح‌سازی» سازمان حقوق بشر و دموکراسی افغانستان میزبان برنامه‌ای تحت عنوان «زنان و صلح؛ جنبش‌های زنان و تأثیرگذاری بر روندهای سیاسی» بود تا تأثیرگذاری جنبش‌های زنان بر روندهای سیاسی و در حال حاضر این تأثیرگذاری بر روند صلح جاری کشور را به بررسی بگیرد. این نشست که با حضور شماری از فعالان حقوق بشر و حقوق زنان انجام شد، دستاوردهای زنان افغانستان در ۲۰ سال گذشته را نتیجه‌ی تلاش‌هایی دانست که فعالان حقوق زن پس از سقوط رژیم طالبان متقبل شده‌اند.

حوریه مصدق، فعال حقوق بشر که در مورد جنبش‌های زنان در ۱۰۰ سال گذشته‌ی افغانستان سخن می‌گفت، یادآور شد که جنبش‌های زنان در طول ۲۰ سال گذشته توانسته به‌شکل سازمان‌یافته و نظام‌مند شکل بگیرند: «این موضوع بیشتر برمی‌گردد به همان تجربه‌ی تلخی که زنان در دوره‌ی آپارتاید جنسی طالبان داشتند. پالیسی آپارتاید جنسی که طالبان داشتند به‌شمول نادیده‌گرفتن زنان و یا درجه‌دوم انگاشتن انسانیت زنان و ندادن حقوق اساسی و بنیادی برای زنان، همه باعث شدند تا زنان بعد از سقوط رژیم طالبان بتوانند به‌شکل گسترده و سازمان‌یافته‌تر منسجم شوند و برای حقوق و آزادی‌های اساسی‌شان مبارزه کنند.»

به باور خانم مصدق بحث حقوق زنان از جمله حق رای، حق مشارکت سیاسی و بعضی از حقوق دیگر که زنان افغانستان به آن دست یافته‌اند، از سال‌های ۱۹۱۹ آغاز شد؛ زمانی که افغانستان تحت قیادت شاه امان‌الله قرار داشت و در آن زمان زنان توانستند در لوی جرگه حضور پیدا کنند و در مسائل سیاسی افغانستان سهم بگیرند.

نقش نخبگان زن در تغییرات قانون اساسی ۱۹۶۴

خانم مصدق گفت که در آن زمان در خود اروپا و بسیاری از کشورهای دیگر دنیا این حقوق را برای زنان قابل نبودند. در افغانستان نیز این تحركات بیشتر از این که یک جنبش باشد، به گروه نخبگان زنان در خانواده‌های سلطنتی افغانستان برمی‌گشت؛ یعنی زنانی که خودشان مانند ملکه ثریا در رأس یک خانواده‌ی سلطنتی بودند، می‌توانستند به‌خوبی این تغییرات در قانون و یا رفتارهای اجتماعی را به‌وجود بیاورند اما در کشورهای اروپایی و امریکایی جنبش‌های زنان را که اغلب خودجوش بود، گسترده، سازمان‌دهی‌شده و متعلق به افشار مختلف زنان بوده است.

بر بنیاد سخنان خانم مصدق، زنان در دهه ۶۰ میلادی توانستند که بخشی از حقوق و آزادی‌ها را در قوانین افغانستان مثلاً در قانون اساسی ۱۹۶۴ که گفته همه اتباع افغانستان دارای حقوق مساوی است و یا بعضی از حقوق دیگر مانند رخصتی ولادی



حوریه مصدق، فعال حقوق بشر، عکس از شبکه‌های اجتماعی



بتول سید حیدری، فعال حقوق زن و استاد دانشگاه، عکس از شبکه‌های اجتماعی